

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

# ضد انقلاب سازمان یافته را درهم بکوبیم

نیستند. اندکی وقت به مضمون همه توطئه ها و جنایات، از آشوب خیابانی گرفته تا بعب گذاری، از گسترش شایعات و تهمت ها گرفته تا پخش انواع اعلامیه های ضد انقلابی، از ترور گرفته تا اسید پاشی به چهره مردم و ... نشان می دهد که سازمان گسترده ای این جنایات را سازمان می دهد. بقیه در صفحه ۱۱

بعد از انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی به ترور جنایتکارانه خود علیه مسئولان مملکتی ادامه دادند، که از جمله ترور رئیس زندان اوین، استانداری کلان و معاون او را باید نام برد.

قراردادن این جنایت هادرنکار صد ها توطئه، حادثه، نیرنگ و ترفند، که از همان صبح ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد و تا کون حلقه در حلقه دنبال شده است، زنگ خطر را بار دیگر بصدای می آورد. این انبوه توطئه ها و جنایات شوم، که همه حلقه های یک زنجیر واحد هستند، به روشنی تمام بیانگر این واقعیت است که این توطئه ها و جنایات حوادث و مسببان آن افراد، سازمان ها و گروه های پراکنده ای

## در اتحاد عملی و پیکار جویانه

تاریخی خواهد بود آنچه در انتخابات روز جمعه مطرح است از سوئی گزینش یک رئیس جمهوری وفادار به خط انقلابی سازش نا پذیر امام خمینی، راسخ در دشمنی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، هضم به سرکوب ضد انقلاب داخلی و مبارزه پیکار با ارتجاع منطقه است، و از سوی دیگر انتخاب نمایندگان مؤمن به انقلاب و همگام با خواست های بنیادین محرومان و مستضعفان بقیه در صفحه ۱۱

جمعه آینده، دوم مرداد ۱۳۶۰ (۹ مردم ایران برای انتخاب دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران و همچنین شرکت در انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی به پای صندوق های رأی خواهند رفت. پس از وقایع بسیار مهم یک ماهه اخیر که شکست جنبه متحد ضد انقلاب را با عزل پرچمدار بی افتخار این توطئه از مقام ریاست جمهوری مسجل کرده، رأی گیری روز جمعه بی گمان حادثه ای در مقیاس بزرگ

## اعترافی دیگر

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق، در مورد روابط کشورش با اتحاد شوروی گفته است:

"از جمله دلایلی که در سال پیش باعث تیرگی روابط بین دو کشور شد، اجرا نکردن مفاد قرارداد تحویل تجهیزات نظامی به عراق از طرف شوروی بود. بی. بی. سی برنامه ساعت ۲۲ مورخ ۶۰/۴/۲۱

اعتراف مجدد معاون اول نخست وزیر عراق که بی. بی. سی نیز مجبور به پخش آن شده است، یک بار دیگر کذب ادعای امپریالیسم خبری را مبنی بر ارسال تجهیزات نظامی شوروی به عراق، پس از تجاوز نظامی صدام به ایران، به اثبات می رساند.

امپریالیسم خبری و کارگزاران داخلی امپریالیسم آمریکا، با آغاز تجاوز آمریکا صدام به جمهوری اسلامی ایران، هر چه در توان داشتند کوشیدند تا با نشر اخبار دروغ در مورد فروش و ارسال سلاح از جانب اتحاد شوروی به عراق افکار عمومی مردم مسئولین جمهوری اسلامی ایران را بر ضد اتحاد شوروی برانگیزند و دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا را پنهان سازند.

اما واقعیت بزودی برای این دروغ بزرگ چیره شد و بار دیگر برای امپریالیسم خبری و پهلوان خط برژنفسکی در ایران رسوائی به بار آورد.

## فراخوان

«اتحاد دمکراتیک مردم ایران» با پشتیبانی از نامزدی آقای محمد علی رجایی برای مقام ریاست جمهوری و نامزدهای پیرو خط امام در انتخابات میاندوره ای مجلس از عموم هم میهنان و هواداران خود دعوت می نماید که با شرکت وسیع و متحد در این انتخابات یکبار دیگر اراده راسخ خود را در نبرد مشترک با امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن نشان دهند.

## سادات - امین - بنی صدر

شکستن انقلابهای رهائی بخش و استقلال طلب خلقها از "درون". انورالسادات بانقاب "ملسی کرائی"، حفیظ الله امین بانقاب "مارکسیستی" و بنی صدر بانقاب "اسلامی" چهره خائنانه خود را بقیه در صفحه ۲

انورالسادات در مصر، حفیظ الله امین در افغانستان، ابوالحسن بنی صدر در ایران این خود یک "خط" یک جریان، یک شیوه عمل امپریالیسم بین المللی و سازمانهای جاسوسی آن (سیا، اینتلینجنس سرویس و غیره) است، برای درهم

## کارنامه ابوالحسن بنی صدر

(۲)

### "من"

"... بنی صدر فردی جاه طلب... است، نقش خود را محتاطانه با چشم داشت به روزی که خمینی از صحنه کار رود بازی می کند... (از اسناد لانه جاسوسی مربوط به ارتباط بنی صدر با اعمال آمریکا، کیهان، ۳ تیرماه ۱۳۶۰) ... بنی صدر: من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم... من کتاب تضاد و توحید خود را بزرگترین اثر قرن می دانم... من تک رو نیستم، تک هستم... (مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۲۰۴۵)

من، من، من، بهترین، بزرگترین، عالم ترین و عاقبت یگانه مجتهد قرن:

"... بنی صدر می گفت صدق مجتهد در دنیا منم... اجتهاد این مقدار علم لازم دارد و همه این علمها را من می دانم... (سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، به نقل از بنی صدر - نماز جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۶۰)

این سیما راستین ابوالحسن بنی صدر است، که خود را در مقابل چشمان همگان عریان کرد.

وقتی ناگهان بنی صدر از پاریس رسید و با عکس ها، صاحبها و سخنرانی های بی دریغی، از اوج کناسی به قله معروفیت دست یافت، مردم از او هیچ نمی دانستند. بهر زبان دیگر چیزی نبود که بدانند. بنی صدر می گفت مبارزه کرده است، اما تاریخ را که ورق می زدی و نامی از او نبود. سلول های ساواک خاطرهای از او داشتند. سال بقیه در صفحه ۲

## حجت الاسلام ری شهری رئیس دادگاههای انقلاب:

## پنج روحانی بزرگ و چند مشاور بنی صدر در کودتای نوژه دست داشتند

همه دست اندرکاران در توطئه کودتای نوژه باید به مردم معرفی شوند

حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاههای انقلاب ارتش، در گفتگویی با نشریه "آینده سازان" نکات تازه ای را درباره کودتای آمریکائی نوژه فاش و برای اولین بار اعلام کرد که پنج روحانی بزرگ و عده ای از مشاورین و اطرافیان بنی صدر در کودتای نوژه دست داشته اند.

حجت الاسلام ری شهری گفت: اصولاً ریشه این کودتا، اساس این کودتا راهمان عناصر آمریکائی داخل، که فراری هستند و

## افشای ابوالفضل قاسمی - یک درس عبرت آموز دیگر برای انقلاب

حاکم، ابوالفضل قاسمی، دبیر کل حزب بختیار (حزب ایران) و از رهبران جنبه ملی، عامل ساواک و از سازماندهان توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران، در دادگاه انقلاب ارتش جریان دارد. طبق کیفرخواست دادستان انقلاب ارتش، قاسمی سالها با ساواک جنایتکار همکاری داشته و درقبال دریافت مزد برای آن جاسوسی میکرد. در دوران پس از انقلاب نیز این عامل سرسپرده، فعالانه با جنبه براندازی برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران، همکاری می کرده، با بختیار رابطه مستقیم داشته و زیر نظر و طبعی رهنمودهای وی عمل می کرده و گروهک ضد انقلابی خود (حزب ایران) را به لانه عمال و کارگزاران ضد انقلاب تبدیل کرده. بقیه در صفحه ۲

حمله کند به ایران و یکی اینکه کودتای ناسی انجام بشود... بعد حق تقدم را دادند به کودتا، که اگر شد مسأله حل است، احتیاج به حمله عراق نیست، ولی پس از اینکه کودتا ناموفق شد، مسأله حمله عراق پیش آمد...

این اظهارات رئیس دادگاههای انقلاب ارتش بار دیگر نشان می دهد که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا جنایتکار در ارتباط تنگاتنگ با ضد انقلاب داخلی و لیبرالها چگونه نقشه های از پیش طراحی شده در "سیا" را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مورد اجرا گذاشته است. ضد انقلاب برای اجرای نقشه شوم خود از بقیه در صفحه ۱۱

در خارج از کشور هستند، رهبری بختیار و در داخل خود جنبه ملی، نمی خواهیم بگوئیم که همه افرادش در جریان بودند، ولیکن اصولاً بختیار با بسیاری از این افراد در ارتباط بوده و جریان بعد هم این مسأله را نشان داد. بعد استخدام یک سلسله افراد ساواکی و بازنشسته ها و فراری ها و با مخارجی که مستقیماً از طرف آمریکا و عراق تأمین می شد، یک عده هم افراد شاغل به آنها پیوسته بودند. جریانهای بعدی هم این مسأله را تأیید کرده سرخ این قضیه دست خود آمریکا بود. حتی خود رکنی می گوید در اول درستاد کودتا که مطرح می شد، مسأله این جور مطرح می شد که از طرف "سیا" مطرح وجود دارد، یکی این که عراق

# سادات-امین-بنی صدر

بقیة صفحه ۱

پوشاندند. هر کدام از آنها را امیر-یالیسم مدتها در "آب نمک" خوابانده بود، هر کدام از آنها مدتها گوش خواباند، تا در فرصت مناسب ضربه کاری خود را وارد کند.

انور السادات از "یاران جمال عبدالناصر بود. در انقلاب ۱۹۵۳ مصر بر ضد سلطنت فاروق عامل استعمار انگلستان، شرکت کرد، "بهترین دوست" ناصر شد، "وجاهت ملی" کسب کرد، خود را "ضد صهیونیست و آتش" ضد "استعمار" و "ضد سرمایه داری" معرفی کرد، تا آنجا که شخصیت دوم مصر شد. و آنکه که ناصر فوت کرد (یا او را بقتل رساندند - این مطلب هنوز زیر علامت سؤال است)، انور السادات "طبعاً به ریاست جمهوری مصر انتخاب گردید به محض این که انور السادات کرسی ریاست جمهوری را اشغال کرد و لحن تبلیغاتی امپریالیستی نسبت به نظام حاکم بر مصر تغییر کرد. اظهار امیدواری کردند که سادات "مائل" تر از ناصر باشد، مصر را از "جنگ شوروی" برهاند، "آزادی" را در مصر برقرار کند، به "جهان آزاد" بازگردد. در داخل مصر نیز خط تبلیغاتی مسمومی که در دوران ناصر "حجولانه" از سوی حسنین هیکل ها دنبال می شد، ولی نتیجه بخش نبود، یکباره فعال و گستاخ شد. منای این خط تبلیغاتی این "استدلال" بود: سیاست ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی باعث آن است که آمریکا و متحدان از اسرائیل حمایت کنند. اگر مصر این سیاست را رها کند، دلیلی برای ادامه حمایت از اسرائیل باقی نخواهد ماند. آنکه مصر، که از لحاظ جمعیت و بنیه اقتصادی قوی تر است، اسرائیل را سر جای خود خواهد نشاند. پس باید از سیاست ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی دست کشید و برای این کار باید روی بر شوروی تریس کرد.

مدتی این "خط" جدید تبلیغ شد. تبلیغات ضد شوروی گسترش یافت، تبلیغات ضد آمریکائی خفیف و خفیف تر شد و کم کم سکوت ماند. سپس سادات وارد مرحله عمل شد. مناسبات با شوروی را تیره ساخت، مناسبات با آمریکا را "ترمیم" کرد و سرانجام ابتدا "حجولانه" سپس با کاستخا سخن از لزوم صلح با اسرائیل را بیان کشید. سپس سفر به تل آویو انجام گرفت و آنکه موافقت نامه "کمپ دیوید" در آمریکا امضا شد. آمریکا بر مصر دوباره سلطت شد. درهای کشور ابتدا به روی سرمایه دولتها و انحصارات امپریالیستی و سپس به روی مستشاران و سرانجام به روی نیروی واکنش سریع آمریکا گشوده شد.

بدینسان انقلاب ۱۹۵۳ ضد سلطنتی و ضد استعماری مصر از

"در روز ملامت شد. مصر مجدداً در چنبره اسارت آمریکا و شرکاء افتاد. سادات نقاب "ملی کرائی" از چهره بدور افکند. عامل در "آب نمک" خوابیده ما موریت خود را به انجام رسانده بود و دیگر نیازی به نقاب نداشت.

حفظ الله امین رانیز "سیا" در افغانستان، با نقاب "مارکسیست" و "کمونیست"، در "آب نمک" خوابانده بود. او "انقلابی و آتش" بود. در این چهره نقش مؤثری در ایجاد شکاف در صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تجزیه آن به دو جناح "خلق" و "پرچم" ایفا کرد. بهترین دوست تره کی شد، پس از انقلاب شور ۱۹۷۸ در افغانستان، که دولت دست نشانده داوود را سرنگون ساخت امین دومین شخصیت کشور گردید و عهده دار "امنیت" کشور شد. آنکه شایعه پراکند که تره کی "آمریکائی" است، سپس در فرصتی مناسب با تفاوت کم نظیری تره کی را به وضع فجیعی کشید و شخصیت اول "شد و یورش خونینی را به انقلاب و انقلابیون آغاز کرد. هر چه که در فعال از حزب یافت، به قتل رساند هزاران نفر غیر حزبی انقلابی را کشتار کرد. به اعتقادات مذهبی اهالی همه نوع اهانته کرد، تا مردم را از انقلاب رویگردان کند. حمام خونسی که امین در افغانستان براه انداخت، باعث قرار صد ها هزار نفر افغانی به خارج از کشور، بخصوص به پاکستان شد. در آنجا عمل پاکستانی آمریکا، زیر نظر مستقیم جاسوسان "سیا" و کارشناسان چینی "رهبرانی" از عناصر ضد انقلابی افغانی ساختند و مهاجران را - که اکثر ناآگاه و گمراه بودند - در اردوگاه های نظامی متراکم کردند. تهاجم نظامی از خارج می بایستی حراکات خونین داخلی را تکمیل کند و انقلاب را درهم شکنند. ولسی امین را انقلابیون در افغانستان به عنوان خاش شناختند و به مجازات در خور رساندند. دولت جدید انقلابی از اتحاد شوروی تقاضای کمک برای جلوگیری از تهاجم نظامی خارجی کرد. این تقاضا بر منای قراردادی که بین دو کشور وجود داشت، اجابت شد. انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی افغانستان نجات یافت.

بنی صدر نیز - اکنون دیگر به قدر کافی روشن شده - که از "در آب نمک خوابیده ها" بوده است. نقاب این یکی "اسلامی" بود. قبل از اینکه نقاب "اسلامی" به چهره بزند، ناخود را "انقلابی اسلامی" جا بزند، در اروپا از کارگردانان "جبهه" ملی بود. از فردای انقلاب در ایران، "متکلم" وحده در رادیو - تلویزیون شد. خود را عالم دهر در تمام رشته های علمی و فنی و نظامی و اجتماعی و اسلامی معرفی کرد و ضمناً بی وقفه کوشید با جو ضد

# ابوالفضل قاسمی...

بقیة صفحه ۱

است، با گروه های ضد انقلابی خلق مسلمان و کودتاچی، همکاری صمیمانه داشته و از طریق روزنامه "خود تبلیغات ضد انقلابی و تشنج آفرین را دامن میزده است. وی سرانجام پس از آن که به دستور بختیار هزینه تأمین شده توسط وی، خود را برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نامزد کرد و پس از آن که همکاری وی با کودتاگران، پس از شکست کودتای ۸ تیر محرز گردید، بازداشت شد و اکنون در انتظار مجازات است.

محاكمه ای با اتهامات مذکور، اگر در يك عضو خود فروخته عادی جریان داشت، شاید آنچنان اهمیت نمی داشت، اما از آنجا که این محاكمه در مورد فردی است که رهبر حزب ایران و از رهبران جبهه ملی است و سالهاست زیر پرچم هواداری از مصدق و ملی کرائی سینه زده است، اهمیت ویژه کسب می کند.

محاكمه قاسمی، در واقع محاكمه جریان ورشکسته و ضد انقلابی است که دهها سال است، با دو روشی و عوام فریبی برای حفظ و تحکیم سیطره امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، تلاش می کرده است و با پنهان کردن چهره واقعی و خویشتن در پس اعتبار و حیثیت دکتر محمد مصدق و دکتر حسین فاطمی، فریبکارانه در صد دکشانییدن جنبش انقلابی به راه سازش و تسلیم بوده است. سرنوشت رسوای ابوالفضل قاسمی، فرجام نهائی پویندگان جریانی است که میکوشند مصالح خلق را با مصالح دشمن اصلی آن آشتی دهند. این فرجام جز خیانت نیست.

در همان حال محاكمه ابوالفضل قاسمی، يك بار دیگر این امکان مساعد را پدید آورده است که بانگاهی به سیر و سرگذشت این جریان فاسد و ضد انقلابی، که اکنون با تمام قد در مقابل انقلاب ایستاده است، تاکتیک ها و روش های سردمداران آن در اجرای رهنمود های کارگزاران امپریالیسم آمریکا، برای سرکوب کردن و به شکست کشاندن جنبش انقلابی، شناخته و از آنها درس گرفته شود.

کمونیستی و ضد شوروی بازمانده از دوران طاغوت را حادث کردند و اختلاف و تفرقه بیاندازد اختلاف و تفرقه بین نیروهای انقلابی را شدت دهد، مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی را تیره سازد. این راه بازگرداندن آمریکا (از راه اروپا) به ایران می دانست. لیبرال ها "هم خطی" خود را با او درک کردند و همه ضد انقلابیون دیگر نیز مقام ریاست جمهوری و بویژه مقام فرماندهی کل قوا، او را چنان سر مست از "موفقیت" کرد که "بابو او را برداشت". "سجش افکار" کرد و دید، به "شخصیت

اگر اکنون برای همگان آشکار شده است که جبهه ملی و حزب ایران و بسیاری از رهبران آنها، جز در جهت مصالح و منافعی غارتگرانه امپریالیسم آمریکا، کام برنمیداشته اند، پس باید پذیرفت که روش های آنان نیز جز در این جهت نبوده و نیست و جز روش و تاکتیک ضد انقلابی محسوب نمی شود.

عملکرد ابوالفضل قاسمی و افرادی نظیر او و احزاب و گروه های وابسته به بورژوازی لیبرال همواره محوریکانه ای داشته است: تبلیغ و مبارزه علیه کمونیست های اصیل و کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی به منظور ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای انقلابی، جدا کردن نهضت انقلاب از پشتیبانان صدیقش در

جهان، منزوی کردن انقلاب در جهان و پاره پاره کردن نیروهای مدافع انقلاب در داخل و سرانجام ایجاد امکان برای ساقط کردن انقلاب.

رسول مهربان، عضو سابق کمیته مرکزی حزب ایران، که در سال گذشته از رهبری این گروهک ضد انقلابی کناره گیری کرد، در کتاب خود تحت عنوان "احزاب بورژوائی...". تأکید می کند که از آستانه کودتای ۲۸ مرداد، که کلیه عوامل امپریالیسم آمریکا در تلاش ساقط کردن دولت ملی دکتر مصدق بودند، محور اساسی و اصلی تبلیغات تب آلود جبهه ملی و

حزب ایران را کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی تشکیل می داده است این تاکتیک آمریکائی وضد انقلابی، پایه و اساس موجودیت حرکت این احزاب بورژوائی را تشکیل می داده و می دهد. در دوران پس از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران نیز، درست در شرایطی که توطئه های عظیم کودتا و براندازی علیه انقلاب ایران تدارک می شد، قاسمی - ها و بسیاری دیگر از رهبران جبهه ملی و حزب ایران، با تمام نیرو در بوق و کرنای تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی می دمیدند و تمام نیروی خود را برای منحرف کردن لبه تیز مبارزه انقلابی

اول است. او بر روی کسف امواج انقلاب خود را "سادات" ایران تصور کرد، بدون این که بتواند عمق اقیانوس تلاطم انقلاب را درک کند، و در این اقیانوس مانند تکه کلوخی فرو رفت. انقلاب از کزند او در امان ماند.

سادات "ملی گرا"، امین "مارکسیست" و بنی صدر "مسلمان" يك خط، يك جریان، يك شیوه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا برای درهم شکستن انقلاب های رهائی بخش خلقهاست. باید به این شیوه عمل توجه جدی کرد. در "آب نمک خوابیده ها" اتفاقی نیستند. انقلاب ضد امپریالیستی و

از امپریالیسم آمریکا و عمل داخلی آن به سوی نیروهای انقلابی به کار می بردند. این بار توطئه شکست خورد و معلوم شد که آقایان از همکاران صمیمی کسانی بودند که می خواستند جمهوری اسلامی ایران را در دریائی از خون غرق کنند. تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی نیز تنها پوششی برای توطئه براندازی و بمنظور ایجاد شکاف در صفوف نیروهای انقلابی و برای فراهم کردن زمینه پیروزی توطئه

بوده است. به گفته صائب امام خمینی: "شوروی را مطرح می کردند تا آمریکا منسی (فراموش) شود". این درس بزرگی است که به بهای خونهای بسیار بدست آمده است. ابوالفضل قاسمی نیز در کنار خلق مسلمانان، قطب - زاده ها، امیران نظام ها، محقق - ها و بنی صدرها، شاهد جدیدی است بر این که کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی، جز از سوی امپریا - لیسم آمریکا هدایت نمی شود و جز به سود آن تمام نمی گردد.

متأسفانه هنوز این درس بزرگ از سوی تمامی نیروهای انقلابی جذب و درک نشده است. هنوز هم کسانی یافت می شوند که در چنین دام فرسودهای بیفتند و کمونیست های اصیل و اتحاد

شوروی، این دوستان داخلی و خارجی انقلاب را مورد حمله قرار دهند. اینان، بی آن که خود بخوانند، جبهه خلق را غلطاً تکه پاره می کنند و دشمن را شاد کام

می دارند. آیا وقت آن نیست که این بخش از نیروهای صدیق انقلابی که مسلماً خواستار پیروزی انقلاب هستند از افتادن در این دام پرهیزند؟

از سوی دیگر آیا می توان این نکته را تصادفی دانست که قاسمی، عامل ساواک و همکاری بختیار، از مؤسسين "کمیته" دفاع از افغانستان بوده است؟

افشای قاسمی ها از پیروزیهای انقلاب است و درس عبرتی نیز هست. امثال این درس عبرت آموز را باید همواره در برابر چشم داشت. پیروزی نهائی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، در گرو آن است.

مردمی و اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، تاکنون نقاب از چهره تعدادی نه چندان کم از آنها برگرفته است. ولی باید هشیار بود. همانطور که امام گفته اند، تفاله های آمریکا الان هم هستند. وسیله افشا عقیم کردن خرابکاری آنها، گسترش و تعمیق انقلاب از موضع ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی است. هرگاه خط ضد آمریکائی بی انحراف، بی شاخ و برگ های "منسی" کننده آمریکا، با قدرت ادامه یابد، نقاب از چهره این "در آب نمک خوابیده ها"، به ناچار می افتد.

**احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها**

دفتر تحکیم وحدت  
انجمن‌های اسلامی :

**فریاد "مرگ بر آمریکا"  
هرچه رساتردامن می‌گسترود**

دفتر تحکیم وحدت انجمن اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان، در اطلاعیه‌ای مراتب حمایت خود را از نامزدی آقای محمدعلی رجایی اعلام داشت. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

"انقلاب سوم امت مسلمان ایران به رهبری امام عظیم‌الشان خمینی کبیر با انگیزش یکپارچه مردم مسلمان پیرو ولایت فقیه با نیرومندی تمام، توطئه‌های پیاپی براندازی و انحراف جمهوری اسلامی را که توسط مستکبرین جهانی و در رأس آنها شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار به اجرا درمی‌آید، خنثی می‌سازد و خطوط فرنگ‌گرا و ربه آمریکا را به زیر می‌کشد و منافقین و معاندین ضد-انقلاب را منکوب می‌سازد و با خشم قدس مقدس اسلامی فریاد همیشه "مرگ بر آمریکا" هرچه رساتر برمیهن اسلامی مان دامن می‌گسترود و با شعار جاوید "الله اکبر" خمینی رهبر" درهم می‌آمیزد و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایستاده ایم."

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی :

**شرکت وسیع در انتخابات  
ریاست جمهوری، آمریکا را  
مایوس خواهد کرد**

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای پشتیبانی خود را از نامزدی آقای محمدعلی رجایی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده است. در این اطلاعیه گفته شده که شرکت وسیع در انتخابات آمریکا را مایوس خواهد کرد و موجب شکست جبهه متحد ضد انقلاب خواهد شد. در اطلاعیه آمده است:

"ملت ایران با زهم مثل روزهای طولانی سرنگونی رژیم شاهنشاهی (انقلاب اول) و آغاز پربار رویارویی مستقیم با آمریکای جهان‌خوار و افشا و طرد عناصر و خطوط غرب‌گرا (انقلاب دوم) یکپارچه و پر خروش در صحنه حاضر است تا باریشه کن کردن آخرین مغالته‌های شیطان بزرگ" و "استقرار بی‌تزلزل خط امام بر تمامی عرصه‌ها" (انقلاب سوم) به دوران شکوفائی و بالندگی انقلاب اسلامی بایاری خدای تعالی کام نهد."

حزب توده ایران :

**برگزیدن دومین  
رئیس جمهور اسلامی ایران  
باید بصورت مشت  
دندان شکن پروژه  
دشمنان انقلاب، به سرکردگی  
آمریکا، درآید**

کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیانیه‌ای به تاریخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۰ به مناسبت انتخاب دومین رئیس جمهور اسلامی ایران توضیح داده است که :

"موضع حزب توده ایران در مورد انتخابات دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران بر پایه ارزیابی‌های زیرین استوار است :

- ۱- برای آن که اشتباه گذشته تکرار نشود، باید کسی به مقام ریاست جمهوری برگزیده شود که در صداقت او به پیروی از خط امام خمینی، یعنی صداقتش به راه انقلاب، به دشمنی آشتی ناپذیرش با امپریالیسم جهانی، از جناح منطقه و ضد-انقلاب داخلی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به عزم راسخ برای مبارزه تا آخرین نفس در راه تأمین استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی و نظامی و فرهنگی میهن ما، در راه تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمین شده در قانون اساسی و در راه دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی جامعه به سود توده‌های ده‌ها میلیون‌وسی محرومان زحمتکش تردیدی نتوان کرد.
- ۲- رئیس جمهور آینده باید بطور مسلم و بدون تزلزل در راه اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران کام بردارد. رئیس جمهوری آینده باید در این زمینه هم به زرقای رهنمود بزرگ امام خمینی معتقد و برای پیاده کردن آن کوشا باشد. رهنمود تاریخی امام خمینی در زمینه اتحاد چنین است :

"اگر مسلمانان، بخاطر اسلام متحد شوید، و اگر خدای ناکرده به اسلام اعتقادی ندارید، بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید."

(از سخنان امام خمینی در برابر نمایندگان سازمان‌های بنادر و کشتیرانی - بهمن ۱۳۵۹)

منافع حیاتی انقلاب ایران در این نبرد سرنوشت ساز علیه امپریالیسم و همدستانش در نبرد برای ریشه کن ساختن جبهه متحد ضد انقلاب ایجاب می‌کند و از رئیس جمهوری طلبید که در راه پیاده کردن این رهنمود پراج رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را به کار برد.

۳- رئیس جمهوری آینده باید گذشته سیاسی اش پاک و بی‌لکه باشد. تجربه عباس امیرانظام و صادق قطب زاده و ولی محمد ایزدی و احمد مدنی و حسن نزیه و مقدم مراقفای و ابوالقاسم صادق و ابوالحسن بنی‌صدر و نظائرشان به ما هشدار می‌دهد که به این گفته ژرف و پر محتوای امام خمینی بیشتر توجه کنیم:

"نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم و الان هم هستند."

همین تفاله‌ها بودند که در دولت لیبرالی "کام به کام" جا گرفتند و انقلاب را تالاب پرتگاه سازش و تسلیم کشاندند. همین تفاله‌ها بودند که به صورت "جبهه متحد ضد انقلاب" زیر پرچم بنی‌صدر گرد آمدند. همین تفاله‌ها هستند که برای یک هدف مشترک، یعنی حفظ زنجیرهای اسارت وابستگی به امپریالیسم و تأمین ادامه غارتگری بی‌بند و بار و جنایت آمیز کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در صحنه سیاسی مردم زیر نقاب‌های رنگارنگ تازه‌ای، از "اسلامی دوازده" گرفته تا "چپ ماورا" انقلابی، ظاهر می‌شوند و می‌کوشند تا مردم را گمراه کنند و به دام اندازند. "خط" سیاسی این تفاله‌ها این بود و هنوز هم این است که انقلاب را از

سمت گیری اساسی اش منحرف سازند. امام خمینی در سخنان تاریخی روز ۱۱ تیر ماه ۶۰، این "خط" را به بهترین وجهی توصیف کرده‌اند :

"خط این بود که یک دسته شوروی را طرح می‌کردند و تا آمریکانسی (فراموش) بشود، یک دسته الله اکبر را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند، آن هم در روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود."

۴- برگزیدن دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران باید بصورت نمایش وحدت قاطبه مردم میهن ما، نمایش اتحاد همه نیروهای انقلابی راستین، بصورت مشت دندان شکن بر پروژه دشمنان انقلاب، بسرکردگی آمریکا، درآید و "افسانه" ۱۱ میلیون رای ادعائی بنی‌صدر معزول را درهم شکند.

۵- حزب توده ایران بر آن است که باید به فراخوان رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پاسخ مثبت دهیم و با تمرکز آرا، به سود کاندیدائی که بیش از دیگران به تعهد تاریخی خود در پیروی از خط امام خمینی وفا کند، مشت محکمی بر پروژه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران و بیش از همه امپریالیسم آمریکا، وارد آوریم.

با توجه به نکات بالا، حزب توده ایران از همان نخستین لحظات انتخاب آقای محمدعلی رجایی به مقام نخست وزیری، با وجود داشتن انتقادات جدی به برخی موضوع گیری‌های ایشان در سیاست داخلی و خارجی و اجتماعی، از دولت ایشان در برابر هجوم "جبهه متحد ضد انقلاب" به رهبری بنی‌صدر پشتیبانی کرد.

حزب توده ایران امیدوار است که تجربه‌های تلخ و زیانبار در دو سال ونیمی که از انقلاب می‌گذرد، به ایشان کمک کند تا در سیاست داخلی با پیگیری و قاطعانه در جهت تحکیم جبهه پهنای نیروهای راستین هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در سیاست اقتصادی در جهت پشتیبانی از دگرگونی‌های بنیادی علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و به سود توده‌های ده‌ها میلیون مردم محروم و زحمتکش و در سیاست خارجی در جهت بهره گیری از پشتیبانی بی‌دریغ جبهه پهنای نیرومندی ضد امپریالیستی جهانی در نبرد سرنوشت ساز ماعلیه امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب داخلی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا کام بردارد.

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

**به آقای رجائی  
رای می‌دهیم!**

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اطلاعیه‌ای بتاريخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۰ از جمله می‌گوید :

"تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ بر آمریکا" فراموش کرد. خطی که با جریانات لیبرالیستی، مشوک و سلطنت طلب باب مراده و دوستی و هم پیمانی کشوده بود. خطی که می‌کوشید همه نیروهای مخالف و همه دشمنان انقلاب و خط مردمی و ضد امپریالیستی امام خمینی رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را در یک جبهه متحد سازد.

اکنون با خلع بنی‌صدر از ریاست بقیه در صفحه ۱۰

در هفته گذشته بدنبال اعلام اسامی نامزد های ریاست جمهوری، احزاب جمعیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف مواضع خود را در برابر انتخابات اعلام و نامزد مورد نظر خود را معرفی کردند. در زیرموضوع برخی از احزاب، جمعیت‌ها، سازمانها و گروه‌ها، که در دسترس اتحاد مردم بوده است، از نظر خوانندگان می‌گذرد. لازم به تذکر است که تا زمان تهیه این مطلب، برخی از احزاب مانند حزب جمهوری اسلامی، با اینکه نامزد مورد نظر خود را تعیین کرده‌اند، در این مورد اعلامیه‌ای منتشر ننموده‌اند.

**دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم:  
رئیس جمهور باید دسائیس  
شیطان بزرگ را بشناسد**

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن اعلام پشتیبانی از آقای محمدعلی رجائی، اعلام کرده است:

"ملت مسلمان و مبارز ایران، اکنون در آستانه یک انتخاب حماس و بسیار مهم قرار گرفته ایم. در انتخاب رئیس جمهور و شخص دوم مملکت باید از دوره اول سر مشق گرفته و کسی را انتخاب کنیم که برای پیروزی انقلاب کوشیده و در راه انقلاب اسلامی رنجها و زندانها را تحمل نموده و پس از پیروزی بدون چشمداشتی بیاری انقلاب همت گماشته است."

این دفتر سپس شرایط رئیس جمهور را از جمله مسلمان و معتقد به قانون اساسی بودن ذکر کرده و ادامه داده است:

"شخصی که دوستان انقلاب و دشمنان آن مخصوصا شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و دسیسه هایش را بخوبی بشناسد و در جهت صدور انقلاب اسلامی به جهان مستضعفان بکوشد."

جامعه روحانیت مبارز تهران :

**با شرکت گسترده در انتخابات  
ریاست جمهوری  
امید استکبار جهانی  
بسرکردگی آمریکا را به یأس کامل  
تبدیل کنیم**

جامعه روحانیت مبارز تهران با انتشار اعلامیه‌ای اعلام کرد که در انتخابات ریاست جمهوری به آقای محمدعلی رجائی رای خواهد داد. در این اعلامیه آمده است:

"شرکت گسترده و همه جانبه توده‌های عظیم میلیونی ایران در انتخابات ریاست جمهوری تکلیف شرعی است و امری واجب و امید استکبار جهانی، بسرکردگی آمریکای خونخواره را به یأس کامل مبدل ساخته و او در خواهد یافت که آمریدن فاجعه جانگداز شهادت ۲۲ تن از صدیق ترین یاران با وفای امام امت مانند شهید مظلوم آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی جز آنکه ملت ایران را هرچه بیشتر و منسجم تر، در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ثابت قدم تر سازد و موجب رسوائی بیشتر ضد انقلاب گردد، سودی برای جهانخواران در پی نخواهد داشت."

کارنامه ابوالحسن

بقیما رصفحه ۱

۱۳۴۱ از ایران رفت. می گفت دکترا دارد، ولی زود معلوم شد که آن راهم ندارد، حتی نوع فرانسوی اش را که در بازار آزاد خرید و فروش می شود. اما کتابها نوشته بوده کتابهایی که اگر کیلویی هم می فروختند - که می فروشد - خریدار ضرری کرد. تنها کلی گوئی ها و دراز گوئی هایی بود هذ یانی آمیخته با لیبرالیسم و مائوئیسم. در این کتابها، درسخرانی ها و صاحبها ابوالحسن بنی صدر، به کمان خودش، اقتصاد دان بود، سیاستمدار بود، سخنران بود، نویسنده بود، شاعر بود، متخصص فنون نظامی بود، فیلسوف بود، مورخ بود، تنوریسین بود...

\*\*\*

ابوالحسن بنی صدر بدون کتریسین رود ریاستی اعتقاد داشت که "بزرگترین اندیشه جهان معاصر است. طرح های آن جناب همه علمی بودند. او بانکان دادن یک دست بزرگترین فیلسوفان جهان را رد می کرد و با گفتن یک کلمه معماهای هستی را می کشود:

"... اید تولوژی های حاکم بر این جهان را انتقاد قاطع کرده ام... (روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد" جلد ۵، ص ۱۳۵)

البته توجه دارید که انتقاد قاطع بنی صدر، یعنی رد کردن تمام "اید تولوژی" های حاکم بر جهان، کار بنی صدر رد کردن تئوری های گذشته بود. چهارستون هر چه تئوری در جهان است، توسط ایشان مانند بید به لرزه در آمده بود:

"... من بعنوان منتقد اندیشه غربی در محافل علمی غرب شهرت و اعتبار داشته ام کارهایم در زمینه سلطه، فرهنگی غرب به زبان های مختلف ترجمه و منتشر شده است آنچه درباره موازنه، قوا و انتقاد ورد نظریه تضاد بیان کرده ام، اساس این تفکر را دچار تزلزل ساخته است... (همانجا، ص ۱۳۶) و البته فقط غرب نیست:

"... اگر شما نوشته های مرا خوانده بودید قطعاً تحقیق مرا درباره سلطه، فرهنگی و ریشه های آن در حاکمیت فلسفه یونانی از باستان تا امروز هم خواننده بودید و اگر خواننده بودید می دانستید و متوجه می شدید چه کوشش عظیمی بکار برده ام تا انسان را از اسارت فلسفای که هیچ حقیقتی جز زور و روابط میان زورهای متضاد نمی شناسد رها کنم... (همانجا، ص ۱۴۰)

و تازه حیطه عمل بنی صدر به فلسفه ختم نمی شود. از آن شروع می شود، بعد به اقتصاد می رسیم و این که چگونه با "روش علمی" مشکلات اقتصادی را حل کرده و میکند: "... بیهمه مالی شد، انبهارهای عمومی ملی شد و بخش مهمی از صنایع ملی شد و در همه اینها کوششهای من بی تأثیر نبود هاست... (۲۶ تیر ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

البته نقائص این نوع ملی کردن به عهدده ایشان نبود، همچنان که بقیه نقائص. هر چه کار خوب بود، از جانب ایشان انجام شده بود و هر چه ناپسند از سوی "آن دیگران":

اقتصاد (منظور وزارت دارائی و امور اقتصادی است) در حوزه مسئولیت قرار گرفت، وابستگی هائی را که در آن حوزه قرار داشت، یکی پس از دیگری قطع کردم و اینک نوبت آنست که وابستگی های دیگر را نیز قطع کنیم... (۲۶ فروردین ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

و به چنین رئیس جمهور با فرهنگی عدل های توصیه می کنند که برو کتاب اقتصاد بخوان و او در حالیکه شکفت زده است، می نویسد:

"... بسیار تعجب کردم. با این که اقتصاد توحیدی شاید بیش از یک میلیون نسخه در ایران در نوبت های متعدد چاپ و پخش شده و با این که غالب مجلات علمی و حتی روزنامه های دنیا راجع به خطوط اصلی این کتاب، که ما بر اساس آیات قران و برای تفسیر بنیاد های علم اقتصاد عرضه کرده ایم، مطلب نوشته اند... (۵ شهریور ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

به "من" می گویند برو کتاب اقتصاد بخوان! چه جسارتی! چه کسی توان گفتن این حرف را در محضر مقدس این شاه بی تاج و تخت داشته است؟

"... گفتم برای من دشوار است که اقتصاد نوشته باشم بر پایه اخلاق و معنویت. کیش شخصیت نوشته باشم... برنامه حکومت و دولت خود را بعنوان رئیس جمهور پایه برنامه را معنویت قرار داده باشم و تسلیم کسانی بشوم که از نظر من تصویب کننده این معنویت را بی قدر کرده اند... (۱ شهریور ۵۹ - کارنامه رئیس جمهور)

و چنین بیماری بعد از پیروزی انقلاب به ایران آمد و بر امواج خونین انقلاب به مقام اولین ریاست جمهوری ایران رسید. این واقعه که ۷/۱۰ میلیون رأی هم به دلائل مختلف در پشت خود داشت، بر حدت بیماری ابوالحسن بنی صدر افزود. او پنداشت که همه رویاها، تخیلات بیچاره گونه و "من"، "من" هایش واقعیت داشته است. بیپرده نبود که بعد از انتخاب بمقام ریاست جمهوری خود رانقطه عطف تاریخ ایران دانست:

"... زنان و مردان ایران، این انتخاب (انتخاب وی به سمت ریاست جمهوری) پایان شب سیاه و دراز تاریخ ایران است. آفتابی که در فردای این انتخاب سر برمی آورد، باید ما را شاد، صمیم و کستاخ بیاید. باید ما را آماده ساختن عصر جدید بیاید... (۳ بهمن ۵۸ - کارنامه)

و بنی صدر، به خیال خود، آن روز بزرگی بود که پس از آن شب سیاه و دراز می آمد: "... دیدیم روستائیان جمع شدند و اطراف ما حلقه زدند... مردم (مرا) شناختند و شروع کردند به شادی و شکرگزاری... (۲۴ مرداد ۵۹ - کارنامه)

و طبیعی است که وقتی دید بنی صدر شکرگزاری می آورد، او کم کم به این فکر می افتد که: "... همانطور که پیامبر ما در محیط سانسور آن روز راه بیرون رفتن از دیوارهای سانسور (را) پیدا کرد، من نیز با همان روش عمل می کنم و این دیوارها را...

"... می شکم... (۲۶ تیر ۵۹ - کارنامه) بنی صدر باور کرده بود که پیامبر زمان ماست. در حقیقت از ابوزر و سپس از علی آغاز کرد و آنها را نیز بسنده و بسندیده نیافت و به پیامبر اسلام دست یازید. و به همین خاطر بود که "پیامبر روغین" زمان ما اعتقاد داشت: "... سپاس خدای را که رئیس جمهور

شما همچنان زبان محرومیت های شماس. زبان آنهاست که حق می گویند و آماده اند بهای حق گوئی را بپردازند. امید ما به آینده انقلاب بهمین است... (۲۴ اردیبهشت ۶۰ - کارنامه)

یعنی این آقای مرغ حق، که لابد از خانواده مرغ طوفان بختیار است، خود را امید انقلاب و منجی ایران می دانست:

"... من برنامه های را قرار داده بودم برای فعالیت های خودم، از وقتی که وارد ایران شدم، که این برنامه به اصطلاح تجدید حیات ایران است که تحت عنوان بیانیه جمهوری اسلامی ایران... طرح کردم... (کیهان - از سخنان بنی صدر ۱ دیماه ۵۸)

و چنین بود که بنی صدر به تنهایی به "دشمن اصلی" به اصطلاح "دوا بر قدرت" تبدیل شده بود:

"... اینکه دشمن مرا خطر اصلی تلقی می کند، به لحاظ این است که... میدانم که یک قوه اجرائی کارآمد باید برنامه مشخص... با استفاده از مغزها و استعدادها - ها قادر خواهد شد برنامه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را به اجرا در آورد... چرامن دشمن اصلی هستم، به لحاظ این که... مردم در رئیس جمهور می بینند که معرفت

شکستن مرزها وضع هاست... کارگران کشور شکستن اصل انقیاد و تابعیت و استعمار را... (دراو) می بینند... دهقانان کشور او را نشانه شکستن اصل تابعیت می بینند. جوانان کشور در او... بیان کننده حق ابتکار، حق تحریک، حق سازندگی، حق آزادی را می بینند... از نظر بین المللی نیز برای سیاست دوا بر قدرت، دشمن اصلی بنی صدر است... (۲ خرداد ۱۳۶۰ - کارنامه)

وقتی این غول افسانه های قرون و اعصار که آمریکای امپریالیست و شوروی سوسیالیست او را دشمن اصلی می دانستند، به فرماندهی کل قوا منصوب شد و به جبهه های جنگ تحمیلی رفت، خیلی زود اعلام کرد که پیروزی های جانبازان مسلمین در جبهه های جنگ تحمیلی تنها در ارتباط با وی میسر است و لا غیر. اصلاً این او بود که در جبهه ها می جنگید:

"... حرف این است که شما ببینید یک کسی منتخب این مردم است (یعنی بنی صدر) در جبهه جنگ می جنگد، در نظر دنیا باید معرفت صلابت و استقامت ملتی باشد که در حال جنگ است... (صاحبه بنی صدر با روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳ اسفند ۵۹)

این بیماری لخبولیائی که، شگفتا، اولین ریاست جمهوری اسلامی ایران بنام او رقم زده شد، پیروزی های سربازان دلیر میهن را در جبهه های جنگ به حساب خود می گذاشت:

"... از تیراندازان و توجیحی ها خواستم که دقیق تیراندازی کنند و از دیده بان بپرسند که نتیجه چه شد؟ و نتیجه این شد که بنا به گزارش دیده بان آن تانک ها را تویخانه زد... (۶ آذر ۵۹ - کارنامه)

"من" های بنی صدر، خیلی سریع به "ما" بدل شد:

"... با توجه به آنچه ما (منظور بنی صدر است) در خوزستان انجام داده ایم و توانائی ما (باز هم منظور بنی صدر است) در رهبری نیروهای مسلح به سوی پیروزی اهمیت و ابعاد اینگونه توطئه ها بیشتر معلوم و آشکار شود... (۱۳ آذر ۵۹ - کارنامه)

و فروتنی رانگاه کنید: "ای مردم، اگر خدمتی من در

این جنگ کرد ما ناممکن ممکن شد و نیروهای مسلح ما توانستند دشمن را سدا کنند... به کمان خود در برابر خدمتی که برای حفظ آزادیهای شما کرده ام، ناچیز است... (۲۰ آذر ۵۹ - کارنامه)

حتما می دانید که کارنامه های بنی صدر از روی نوار پیاده می شد. حال تصور کنید که بیمار ما، در اثنای که زمانی محمد رضا پهلوی ملعون در زفول در آن می نشست، میکروفن را مقابل دهان خود گرفته است و می گوید: "اینکه دشمن روزهای جمعه و فحیت ما را برای حمله مفتنم می شمرد، برای این است که متوجه همان معنا که گفتم هست... (۲۳ آبان ۵۹ - کارنامه)

بیمار ما می افزود: "... حضور من در اینجا... برای ایجاد اطمینان در شماست... (۳۱ شهریور ۵۹ - کارنامه)

"... ارتش محتاج... غرور است و حضور من در خوزستان برای جایگزین کردن این غرور در ارتش است... (روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد، ص ۲۴)

و این تنها در جبهه جنگ نبود که ابوالحسن بنی صدر یک تنه دشمن را شکست می داد. امپریالیسم آمریکا هم تنها از ترس این غول افسانه ای بود که می ترسید برنامه هایش را در ایران پیاده کند:

"... لوموند نوشته بود و مخبرش هم به من گفت که اینکه اینها شما را دشمن اصلی می دانند، یک حقیقت بارز است... ومن روشی در پیش گرفته ام و این مانع از آن است که آمریکا آنها بتواند برنامه شان را در ایران پیاده کند... (۵ شهریور ۵۹ - کارنامه)

و این "من"، که آمریکا و شوروی از ترس او ماست هارا کیسه کرده بودند، فیلسوفان جهان از ارسطو تا نلین در برابرش لنگ انداخته بودند و متجاوزان صدامی منتظر غیبتش از جبهه می شدند، تاحطه را شروع کنند، در همه زمینه ها یک تنه می تاخت. به مشتی از خروار توجه کنید:

"... من تقتم مقاومت نشان دهید... مردم مقاومت کردند و نشان دادند که تسلیم این بازبهنامی شوند... (انقلاب اسلامی - آذر ۵۹)

"... من کودتا را کشف کردم... (انقلاب اسلامی - ۳ شهریور ۵۹)

"... آمریکایی داند که من چه می کنم و ریشه های وابستگی را می خشکانم... (همانجا)

"... اگر دیدم که این دولت دولتی است که خط من را ندارد، من باید به مردم بگویم که این دولت دولت من نیست... (همانجا)

بر چنین زمینه خود پرستی و کیش شخصیتی بود که بنی صدر به عروسک عمال آمریکا در ایران تبدیل شد، و بیش از همه مستقیم و غیر مستقیم، زمینه سو استفاده های آمریکا و ضد انقلاب داخلی را فراهم آورد. گردانندگان دفترها هنگی رئیس جمهوری، که امروز ماهیت جنایتکارانه بسیاری از آنان برملا شده است، با استفاده از همین روحیات، بنی صدر را دوره کردند و او را به هرسوی که خواستند کشیدند. در حقیقت برنامه این دفتر که در آغاز به منظور هماهنگی همکاریهای مردم برای انتخاب رئیس جمهور بوجود آمد، محاصره روانی و برنامه های بنی صدر بود. این دفتر که بلافاصله پس از انتخاب بنی صدر به سمت ریاست جمهوری به دفتر همکاری های مردم با رئیس جمهور تغییر نام یافت، گنجل کلبه امور بنی صدر را برعهده داشت و در حقیقت تنها کانال ارتباطی وی بود. از همین کانال بود که تحریک و تشنج و توطئه بقیه در صفحه ۱)

انگلستان: جزیره یا آتشفشان

نظام سرمایه داری چه چیزی جز بحران تورم، بیکاری و فقر به زحمتکشان نویسد می دهد و واکنش زحمتکشان در برابر این پدیده ها چه چیزی جز اعتراض، اعتصاب، طغیان و انقلاب می تواند باشد؟ جزیره بریتانیا، دژ کهن سرمایه داری جهان، اکنون صحنه رویارویی آن کش ها و ایمن واکنش هاست. انگلستان، امروز یکی از ضعیف ترین حلقه های امپریالیسم جهانی است. استعمارگران انگلیسی، که سرخاب رخساره شان از خون کودکان هندی و عرب و ایرانی و دیگر خلقهای اسیر رنگ می گرفت، در دوران پس از جنگ دوم جهانی، در اثر تلاشی و فروپاشی امپراطوری بریتانیا در زیر ضربات ضوالی جنبشهای آزاد بیخش مواضع کلیدی خود را در اقتصاد و سیاست جهان از دست دادند و در سابقه رقابت با سایر دولت های امپریالیستی پی روی واپس و واپس تر ماندند و این ناتوانی و واپس ماندگی روزه روز آنان را به خزیدن بیشتر در زیر بال امپریالیسم آمریکا و تبعیت از سیاست های ماجراجویانه آن وادار ساخته که این نیز بنوبه خود تمام تضاد های اقتصادی - اجتماعی جامعه انگلستان را تشدید نمود. اکنون انگلستان به لحاظ رشد اقتصادی (چه مطلق و چه نسبی) از تمام دولت های بزرگ سرمایه داری عقب تر و به لحاظ طول مدت، بحران، شاخص تورم میزان بیکاری، به نسبت جمعیت آنان بسیار جلوتر است.

نگاهی گذرا به چند پیکره ابعاد وسیع بحرانی را، که این کشور سالهاست با آن درگیر است و سیاست اقتصادی محافظه - کاران هر دم بر خانمانسوزی آن می افزاید، نشان می دهد. کافی است یادآور شویم، که "رشد" اقتصادی بریتانیا در سال گذشته منهای ۲/۵٪ بوده است. در دوازده ماه اخیر، بیش از یک میلیون تن دیگر به خیل بیکاران پیوسته اند. اکنون حداقل ۲/۵ میلیون نفر، یعنی ۱۰/۲٪ نیروی کار فعال بریتانیا رسماً بیکار هستند. دولت تاچر، درمان درد های بی پایان بریتانیا را در کاهش هتکفت مصارف اجتماعی، فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداشتی و غیره و افزایش سرسام آور هزینه های جنگی و به اصطلاح "امنیتی" جستجو می کند. بیماری های علاج ناپذیر نظام سرمایه داری بیش از همه جوانان را آزار می دهد، تصادفی نیست که اکنون جوانان بریتانیا، پیشگام جنبش اعتراض علیه این نظام فرتوت شده اند. بگفته پیترومور، نماینده "حزب کارگر"، در حدود یک میلیون دختر و پسر جوان بریتانیایی از حق کار محرومند. جیم ترایر، وزیر کار بریتانیا برخلاف رئیس فربکارش تاچر، که تظاهر - کنندگان را "اوباش" می نامد، اعتراف می کند که علت عمده "ناآرامی های کثونی بیکاری وسیع در میان جوانان است".

تظاهرات گسترده کثونی جوانان بریتانیا دنباله شورش های پی در پی ماه - های اخیر مردم این کشور علیه محرومیت های اجتماعی است که تبعیضات نژاد - پرستانه نیز یکی از مظاهر آن است. رویداد های خونین بریگستون، در آغاز سال جاری، که در جریان آنها ۲۵۰ تن مجروح ۲۲۴ نفر دستگیر و محکوم شدند، یکی از بزرگترین امواج اعتراض علیه تبعیضات نژادی بود. تبعیض نژادی در تمام کشور - های امپریالیستی بصورت آشکار یا پنهان

تفسیر وقایع مهم جهان

وجود دارد و قبل از هر چیز بصورت استعمار وحشیانه رنگین پوستان (آمریکائی - ها و آسیائیها) ظاهر می گردد. مدت هاست که سرمایه داران بریتانیا در این کشور از شهروندان مستعمرات سابق بعنوان نیروی کار ارزان استفاده می کنند. اما هنگامی که بحران اقتصادی - اجتماعی شعله ور می گردد، همه کاسه ها و کوزه ها را بر سر این محرومان می شکنند. روزنامه انگلیسی "دیلی میورر" می نویسد:

"رنگین پوستان کثیف ترین شغل ها و سنگین ترین کارها را بعهده دارند. بیکاری در میان آنها از همه گسترده تر است. سطح زندگی شان از دیگران نازل تر است و در فلاکت بارترین شرایط زندگی می گذرانند".

مقامات دولتی کوشیدند که تشنج های کثونی انگلستان را نیز مانند ایرلند به تفرقه در بین مردم بکشانند و اعتراضات جوانان را به جنگ نژادی بین سفید پوستان و رنگین پوستان تبدیل کنند. این حيله نگرفت. جوانان سفید پوست انگلیسی دوش بدوش رنگین پوستان هند و پاکستانی و... به پلیس حمله می کنند.

ساندی تاچر می نویسد: "انگلستان با بحران بیسابقه ای در دوران پس از جنگ روبرو شده است".

با جرات می توان گفت که در اروپای غربی و در صف نخست در انگلستان، نسل تازهای از جوانان پابعرضه وجود گذاشته است، که دیگر حاضر نیست به سیاست، ماجراجویانه مقامات حاکم و بی اعتنائی آنان نسبت به سرنوشت خویش بی اعتنا بماند. در آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه و سایر کشورهای جوانان به اشکال مختلف با این سیاست بمبارزه برخاسته اند. اعتراض و نارضایتی در میان جوانان آلمان غربی، از جمله اعضای سازمان جوانان حزب حاکم، واقعا شکل تودهای به خود گرفته است. چندی پیش ۶۰ هزار نفر از جوانان آلمان غربی تظاهرات پر شور علیه تصمیم ناتو دایر به استقرار موشکهای آمریکائی در خاک آلمان فدرال بر پا کردند. در فرانسه رای جوانان یکی از عوامل عمده سقوط حکومت ژسکار دستن بود. درونمای تیره، زندگی، در جامعه ای که نمی تواند به میلیونها جوان کاربرد دهد، آثار باره صحنه مبارزات خونین می کشاند. اکنون به دلایل متعدد بریتانیا صحنه این مبارزه است. نزد یک به دو هفته است که تظاهرات گسترده جوانان سراسر بریتانیا را به میدان درگیری - های خشم آکین جوانان و پلیس مبدل ساخته است. درگیری نخست در لیورپول آغاز شد و سپس بسرعت به لندن، منچستر، هال، ناتینگهام، دربی، لستر و سایر شهرها سرایت کرد.

مقامات حاکم، بخصوص اکنون که حزب مرتجع محافظه کاران زمام دولت را در دست دارد، طبق معمول می کوشند اعتراض کنند - کان را مشتق "اوباش" قانون شکن و نامعروف سازند و آثار باخشونت سرکوب کنند. بر پایه گزارش های رسمی، تاکنون صد هانفر از تظاهرات کنندگان مجروح شده اند. شماره دستگیر شدگان به اندازهای است، که در

زندانیها برای آنها جایی نیست، و بگفته وایت لا ئو، وزیر کشور بریتانیا، بهار و گاه - های نظامی و سرباز خانه ها اعزام خواهند کرد. طبق اظهارات وایت لا ئو، فزون بر این، دادگاه های ویژه ای برای محاکمه دستگیر شدگان تشکیل خواهد یافت. وی همچنین به پلیس دستور داده است، که از این پس از کلوله های پلاستیکی بیشتر استفاده بعمل آورند، کلوله هایی که آزمایش خود را بر تن مبارزان ایرلند شمالی دادند.

آنگاه که شیوه های فریب دینکار ساز نیست، زور عریان به صحنه می آید و اکثر پلیس کافی نبود، ارتش نیز تانکها و توپهای خود را به خیابان ها می ریزد. و این است "حقوق بشر" در "جزیره" آزادی، حقوقی که سازمانهای بین المللی آنها جمهوری نوپای مارا، به "گناه" عدم رعایت آن سرزنش می کنند، اما کلوله هایی را که بر قلب جوانان رنگین پوست در انگلستان و آمریکا و آفریقای جنوبی و... می نشیند و بمب هائی را که راهزنان اسرائیلی بر سر زنان و کودکان فلسطینی می ریزند، نقل و نبات می شمارند که باید آنرا بلعید و سیاست گزار نیز بود. واقعا هم بین آن کلوله ها و این بمبها هر چند یکی در انگلستان و دیگری در لبنان به کار برده می شوند، هیچ فرقی نیست، هر دو دشمنیست که با دست سرمایه بر قلب مستضعفان می نشیند و این دست، یکی است.

اسرائیل دشمنه امپریالیسم در قلب دنیای عرب

راد یوی بی. بی. سی سخنگوی فارت - کران بریتانیایی، که در ظرف دو هفته اخیر در خاک خودشان آنهمه جنایت آفرید هاند با همان خونسردی پلیس هائی که جوانان انگلیسی را کلوله باران می کنند، خبر مید هد که "جتهای جنگنده اسرائیلی طی روزهای گذشته بی دربی به نقاطی در لبنان حمله کرده اند و در این حملات عد های را کشته و عد های را زخمی کرده اند. بی. بی. سی می گوید که راهزنان اسرائیلی بخصوص به پناهگاه ها و غار هائی که فلسطینی ها در آن مخفی شده اند، حمله می کنند.

همزمان با روی کار آمدن ریگان، راهزنان اسرائیلی موقع را برای آغاز حملات گسترده بر مخالفان عرب خود در جبهه پایداری مغتنم شمردند. اسرائیلی ها می خواهند قبل از آن که اعراب بتوانند در برابر اسرائیل و حامیان آمریکائیش جبهه واحدی تشکیل دهند، ( چیزی که اعتلای جنبش انقلابی در منطقه می تواند زمینه ساز آن باشد ) پیگیرترین نیروها و دولت های ضد امپریالیستی را جداگانه مغلوب و یا لاقط ضعیف کنند. خیانت سادات و جنگ تجاوزکارانه صدام بر ضد ایران فرصت مناسبی بدست اسرائیل و حامیانش داده است و این فرصت می تواند در یک چرخش تاریخی (که بسیار محتمل بنظر می رسد و علامت نخستین آن هم در صرو همد عراق بچشم می خورد ) از دست برود. یاسر عرفات در پاسخ خبرنگار نیوزویک، راجع به آینده انور سادات چنین می گوید: "سیل براه افتاده است. من مصر را

خوب می شناسم. من در ارتش مصر افسر بودم. در دو جنگ، یکی پر ضد اشغال انگلستان و دیگری در جنگ کانال سوئز، علیه اسرائیل، فرانسه و انگلستان در سال ۱۹۵۶ شرکت داشتم. من مردم مصر، توده ها و تمایلات آنها را می شناسم. صریحا مانند خود رودخانه نیل در سطح آرام و زیبا هستند. اما هنگامیکه سیلابها روانه می شوند، همه چیز را زیر و رو می کنند. و بی شک در تمام منطقه روان خواهند شد. اسرائیلیها می خواهند تا آب آرام است کشتی خود را بساحل آرزو برسانند. نخستین هدف آنها نیز سوریه و لیبی است اسرائیلی ها می خواهند سوریه را در یک جنگ فرساینده محلی درگیر کنند، مقاومت رهبری آن را، درهم بشکنند. و آن را به تسلیم وادار سازند. "بحران" موشکی و ماجراجوییهای دیگر آنان این هدف را دنبال می کند. آمریکا نیز به تبعیت از مکتب افکار که نگذاردند ولت های "میانه رو" عرب، به ویژه عربستان سعودی، به پشتیبانی قاطع از سوریه برخیزند. قبلیب حبیب برای اجرای این مأموریت به خاور میانه آمده است آنچه دیپلوماسی آمریکا را به موفقیت در اجرای این سیاست امیدوار می کند، منافع مشترک اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا و حکام عربستان سعودی است، که دهها میلیارد دلار آنان در بانکها و شرکت های آمریکا و غیره بصورت ودیعه یا سهام بکار انداخته شده است. امپریالیست های آمریکائی و راهزنان اسرائیلی اطمینان دارند که اقدامات عربستان سعودی در مورد حمایت از "آرمان" ملت عرب از مرحله حرف تجاوز نخواهد کرد. زمامداران عربستان سعودی در مورد لیبی حتی همان حرف را هم نمی زنند. جای شکفتی نیست که در حال حاضر لیبی، این کشور کوچک عربی از هر سو در معرض بزرگترین فشارها قرار گرفته است.

لیبی - نخستین هدف توطئه امپریالیستی - صهیونیستی

بدنبال خبری که چندی پیش نیوزویک در باره تصمیم دولت ریگان راجع به کمک به همسایگان لیبی برای سرنگون کردن حکومت قذافی منتشر کرد، دولت لیبی فاش کرد که توطئه های با شرکت سادات و اسرائیل بر ضد لیبی طرح شده است. جزئیات این توطئه را روزنامه های کشورمان شرح دادند. همبستگی کشورهای عضو جبهه پایداری بایکدیکر و همبستگی نیروهای انقلابی جهان با آن کشورها می تواند در این برهه از زمان در عقیم گذاردن توطئه های امپریالیستی نقش تعیین کننده داشته باشد. سفر حافظ اسد به لیبی و الجزایر و پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی ایران از مبارزه این کشورها بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم را می توان کامهای موثری در این جهت دانست. سوریه و لیبی به اتکاء دوستان شوروی خود مردانه در برابر اسرائیل و امپریالیسم ایستادگی می کنند و با این ایستادگی روح امید به پیروزی را در دل خلقهای عرب شعله ور می سازند. مقاومت دلیرانه آنان در برابر تجاوز و زور - گوئی اسرائیل و حامیانش بخصوص در برابر سیاست رز یلان سادات، که آستان بوسی بگین و ریگان را به اصل اساسی سیاست خارجی مصر تبدیل نموده است، درخشش خاصی پیدا می کند.

# جنبش آزادبخش ملی عرب گسترش می یابد

در اواسط دسامبر ۱۹۸۰ (اوایل دی ماه ۱۳۵۹) کنگرانسی مرکب از نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب برگزار شد. در این کنگرانس، مناسبات میان این احزاب و راه های تقویت آن و اوضاع بین المللی، بویژه در جهان عرب و منطقه، مورد بررسی قرار گرفت. کنگرانس نامبرده بیانیه ای صادر کرد، که متن آن با تلخیص جزئی در زیر از نظر خوانندگان می گذرد:

\* \* \*

## مسائل بین المللی

در دوران اخیر، امپریالیسم ایالات متحده و کشورهای "ناتو"، با سیاست رویارویی با تنش زدائی بین المللی و بازگشت به جنگ سرد، اوضاع بین المللی را بس و خیم ساخته اند. این سیاست در افزایش بودجه تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی، تولید انواع جدید جنگ افزارهای هسته ای، شهرهای و باکتریولوژیک، استقرار سیستم های جدید موشکی - هسته ای میان برد در اروپای باختری، اعلام استراتژی هسته ای جدید از سوی ایالات متحده در توجیه جنگ هسته ای "محدود" و کوشش برای مشارکت فعالانه کشورهای اروپای غربی و ژاپن در استراتژی تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نمایان می شود.

امپریالیسم ایالات متحده از کفایت استراتژیهای استراتژی اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان و پیروزی انقلاب ایران بعنوان بهانه ای برای و خیم سازی اوضاع بین المللی و خودداری از تصویب "سالت - ۲" و اجراء پاره ای از قرارداد اقتصادی و بازرگانی با کشورهای سو-سیالیستی سوء استفاده کرده است. از سوی دیگر ایالات متحده به تمرکز نیروهای دریایی خود در اقیانوس هند، دریای عرب و خلیج فارس و ایجاد "سپاه واکنش سریع" دست یازیده است، که یگان های پیشیناز آن هم اکنون در منطقه خلیج فارس استقرار یافته اند. فزون بر این، امپریالیسم ایالات متحده از تهدید کوبای سوسیالیستی دست برنداشته است، از دشواری های داخلی لهستان برای دامن زدن به بحران و تضعیف نظام سوسیالیستی در آن کشور بهره می جوید و از کنگرانس امنیت مادرید برای آغاز کارزاری بهتان آمیز علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی استفاده می کند.

علیرغم کوشش اتحاد شوروی برای تحکیم روند تنش زدائی در مناسبات بین المللی و کاهش نیروهای مسلح در اروپای مرکزی و فراخوان این کشورها مبنی بر تقلیل متعادل جنگ افزارهای استراتژیک، امپریالیسم ایالات متحده همچنان در راه افزایش و خات اوضاع بین المللی تلاش می ورزد. یکی از بازتابهای این سیاست روی کار آمدن رونالد ریگان، یکی از نمایندگان راستین مجتمع نظامی - صنعتی در ایالات متحده است.

فعالیت تب آلود امپریالیسم بین المللی، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، خطری واقعی برای صلح جهانی بشمار می رود. این واقعیت نیروهای مترقی بشریت را با وظایفی بی سابقه در زمینه تشدید مبارزه در راه تقویت روند تنش زدائی و رویارویی با نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم مواجه می سازد.

رهبری چین نیز، بنویه خود، با وحشی ترین محافل ارتجاعی، امپریالیستی و انتقام جو علیه کشورهای سو-سیالیستی هم پیمان شده است، به اقدامات تحریک آمیز علیه ویتنام و کامبوجیا دست می زند، با همکاری نزدیک با امپریالیسم ایالات متحده، پاکستان، عربستان سعودی و رژیم سادات، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به دسیسه می پردازد.

همبستگی نیروهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش بین المللی طبقه کارگر، نیروهای دموکراتیک کشور - های سرمایه داری و نهضت آزادی بخش ملی جهانی شرط لازم تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و برای صلح، استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم است. کنگرانس علمی بین المللی برلین در پایتخت

جمهوری دموکراتیک آلمان، که در اکتبر ۱۹۸۰ زیر عنوان "پیکار مشترک طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش ملی علیه امپریالیسم و برای پیشرفت اجتماعی" با شرکت ۱۶ حزب کمونیستی و کارگری و نمایندگان جنبش آزادی بخش ملی برگزار شد، نمایانگر این وحدت است. لا زست که وحدت این سه نیروی محرک، روند انقلابی دوران ما - دوران گذار بشریت از سرمایه داری به سوسیالیسم و پیروزی انقلابهای آزادی بخش - را از این نیز بیشتر تحکیم بخشد.

## اوضاع جهان عرب

جنبش آزادی بخش ملی عرب پیکار خود را علیه دسیسه "کمپ دیوید"، راه حل های تسلیم جویانه امپریالیستی و تلاش ایالات متحده و اسرائیل برای استقرار برتری طلبی خود در منطقه از راه پیمان نظامی - سیاسی سه جانبه میان رژیم سادات، اسرائیل و ایالات متحده ادامه داده است. هدف از این پیمان پیشبرد نقشه های استراتژیک و تجاوزکارانه "واشنگتن" در منطقه و منافع انحصارات ایالات متحده، بویژه انحصارات نفتی است. مقصود از این بند و بست همچنین مقابله با جنبش آزادی بخش ملی عرب و حفظ رژیم های ارتجاعی و فاسد است. همه اینها ثابت می کند که باید با رویارویی با این مقاصد شوم و افشای سرشت خطرناک آنها، در برابر دسیسه "کمپ دیوید" مقاومت ورزید. این یگانه راه مبارزه با این توطئه است و نه آن مقاومت صوری و لفظی، که عربستان سعودی و دیگر رژیم های ارتجاعی عرب بدان متوسل شده اند. این کشور - ها در رفتار با "کمپ دیوید" مخالفت می کنند، اما در کردار بیاری ایالات متحده می شباهند و می کوشند تا آنرا از بن بست که در نتیجه راه حل های جداگانه در خاور میانه، بدان دچار شده است، رهائی بخشند. بویژه پس از تغییر رهبری در "واشنگتن"، که با استقبال ارتجاع عرب روبرو شد، کشورهای نامبرده به تحکیم مناسبات خود با ایالات متحده اقدام ورزیدند.

حکمرانان عربستان سعودی، علیرغم فریادهای عوام فریبانه خود درباره "جهاد"، کشور خود را به جولانگاه نیروهای مسلح امپریالیسم ایالات متحده، از جمله نیروی هوایی آن بدل ساخته اند و اعتراضات دیگران را نادیده می انگارند. آنها گستاخی را بجائی رسانده اند، که سرهنگ قذافی را، تنها بخاطر آنکه حضور نظامی ایالات متحده را در عربستان سعودی و خلیج فارس محکوم کرده است، "کافر" خوانده اند. این فرمانروایان سعودی بودند که عراق را به آغاز جنگ علیه ایران تشویق کردند، تا بدین وسیله از هان را از مهم ترین مسئله خلق های عرب منحرف سازند. کشورهای محور عربستان سعودی - اردن - عراق کنگرانس سران عرب در "آمان" را فراخواندند و از شرکت "جبهه ملی پایداری و رویارویی"، بویژه سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین - یعنی دنیروی عمده مبارزه با اسرائیل - در آن جلوگیری کردند.

این رویدادها بار دیگر قطب گرایی نیروهای جهان عرب را نشان داد و موضع رژیم های ارتجاعی و راستگرا را فاش کرد. قصد از فراخوانی این کنگرانس سران آن بود، که در مصوبات کنگرانس های سران "رباط" و "الجزیره"، که "سازمان آزادی بخش فلسطین" را بنزله تنها نماینده راستین خلق عرب فلسطین برسمیت شناخته بودند، خلل وارد آید و ملک حسین اختیار یابد تا خود را نماینده فلسطینی ها جا بزند. یکی دیگر از هدف های کنگرانس سران عرب در "آمان" تحمیل پشتیبانی اعراب از جنگ عراق علیه انقلاب ایران بود.

در این میان، اسرائیل سرکوبگری های خونبار خود را علیه فلسطینی ها، چه در داخل مناطق اشغالی و چه در خارج از آن، ادامه داده و مرتکب جنایات شومی علیه رهبران اعراب فلسطین شده است. اسرائیل، از یکسو، اینان را از میهن خود بیرون می راند و، از سوی دیگر، تجاوزات خود را علیه جنوب لبنان پیگیری می کند. امپریالیسم دسیسه های خود را علیه جنبش آزادی بخش ملی عرب، بویژه بر سر مسئله فلسطین، گسترش بخشیده است در همین چارچوب است که باید فعالیت "انترناسیونال

سوسیالیستی" و ابتکار کشورهای اروپای باختری را برای شرکت دادن دیگر کشورهای عرب در ساخت و باخست "کمپ دیوید" و رهائی آن از بن بست کنونی، ارزیابی کرد. اما، جنبش آزادی بخش ملی عرب، علیرغم همه مشکلات موجود، توانائی آنرا دارد که از عمده وظایف خود برآید و در برابر توطئه های امپریالیستی ایستادگی نشان دهد. پایداری سوریه در برابر امپریالیسم و ارتجاع پیمان دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد شوروی، پیکار قهرمانانه ساکنان کرانه غربی رود اردن علیه اشغالگران اسرائیل و نقشه خود مختاری، مقاومت نیروهای ملی - میهن دوست لبنان و نیروهای انقلاب فلسطین، بر رهبری "سازمان آزادی بخش فلسطین"، در قبال دشمن صهیونیستی و دسیسه تجزیه لبنان و انهدام جنبش مقاومت فلسطین در این کشور، این واقعیت را بتبوت می رساند. در این زمینه باید همچنین از تحکیم رژیم مترقی بین دموکراتیک، تقویت "جبهه ملی پایداری و رویارویی" روند وحدت سوریه و لیبی بر پایه دموکراسی و مبارزه ضد - امپریالیستی و موفقیت میهن دوستان مصری و عراقی در دستیابی به وحدت در چارچوب جبهه های ملی - میهن پرستانه و دموکراتیک، از جمله نیروها و احزاب مخالف رژیم در مصر و عراق، نام برد. دیگر نشانه های توان جنبش آزادی بخش ملی عرب عبارت است از تصرف مسلحانه مسجد مکه، شورش های مردمی در مناطق خاوری عربستان سعودی و پیکار فزاینده خلق های خلیج فارس و شبه جزیره عرب در راه دموکراسی و علیه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه.

ضرورت تشدید مبارزه جنبش آزادی بخش ملی عرب علیه امپریالیسم، صهیونیسم، تسلیم جویی و ارتجاع ایجاب می کند که "جبهه ملی پایداری و رویارویی" تقویت و از هروسپیل های، از جمله قدرت اقتصادی کشورهای عرب، برای پیروزی این مبارزه استفاده شود.

همچنین لا زست که از مبارزات توده های در راه حقوق دموکراتیک و تامین خواست های ملی هواداری کرده این مبارزات را به گونه ای کارآتر با پیکار علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع پیوند داد و "کنگره خلق های عرب" را تقویت بخشید و آن را به جبهه های گسترده و راستین، با شرکت نیروها و احزاب ملی کشورهای عرب، مبدل ساخت. در هر کشور باید، بر پایه مقاومت در برابر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع، به تشکیل پیمانی مرکب از همه نیروهای ملی دست یازید.

یکی از شرایط کلیدی پیروزی جنبش آزادی بخش ملی عرب را باید در تحکیم هم پیمانی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی جستجو کرد. چنانکه این شرایط تامین شود جنبش آزادی بخش ملی عرب خواهد توانست بر دشواری های کنونی جیره گردید، مبارزات خود را علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و تسلیم جویی به سطحی بالاتر ارتقا دهد و، از این راه کشورهای عرب را بسوی استقلال و پیشرفت اجتماعی راهگشا باشد، در برابر دسیسه های امپریالیسم پایداری کند، به رهائی مناطق اشغالی عرب دست یابد و حقوق ملی و قانون خلق عرب فلسطین، از جمله حق بازگشت به میهن، تعیین سرنوشت خود و تشکیل دولتی مستقل در سرزمین خویش را، تامین سازد. تعرض فزاینده امپریالیسم ایجاب می کند که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب نقش بزرگتری در جنبش آزادی بخش ملی عرب ایفا نمایند، زیرا که این احزاب به منزله پیشاهنگ و نیروی بس بانفوذ در این جنبش بشمار می آیند.

## وضع منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب

امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، در دسیسه های خود علیه خلق های عرب و جنبش آزادی بخش ملی هرچه بیشتر برای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب اهمیت قائل می شود. علت را باید در مقام منطقه در تولید و صدور نفت، وجود منابع هنگفت زیرزمینی نفت و آبراهه های ترابری نفت جستجو کرد. فزون بر این، این منطقه از نظر اقتصادی و استراتژیک دارای اهمیت فراوان

است و در پرتو وخامت روزافزون بحران انرژی و دیگر پدیده‌های مزمن سیستم سرمایه داری جهانی تأثیر میگذارد. امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، تلاش می‌ورزد تا بر منطقه و آبراهه‌های آن تسلط یابد، نظارت بر تحویل نفت را بدست گیرد، باگسترش پیکار جنبش‌های ملی به رویا روتی بپردازد و به یاری رژیم‌های ارتجاعی محلی بشتابد، که تاکنون نتوانسته‌اند منافع محافل امپریالیستی را صد درصد تأمین کنند. امپریالیسم تلاش می‌ورزد تا تغییر تناسب نیروها را به زیان خود و سرسپردگان خویش، بویژه پس از پیروزی انقلاب مردم ایران، تغییر دهد، امپریالیسم ایالات متحده آمریکا بدین منظور، علاوه بر پایگاه خود در بحرین، بر پایه "دکترین کارتر"، شبکه پایگاه‌های نظامی خود را در سلطان نشین عمان، سومالی و مراکش گسترش بخشید. این گام امنیت منطقه را تهدید می‌کند و هدف آن رژیم‌های شرقی یمن، موقتیک، اتیوپی و افغانستان است.

امپریالیسم ایالات متحده سیستم‌های جاسوسی "آواکس" خود را در عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس استقرار داده، سلاح‌های کشتار جمعی هنگفتی را ذخیره کرده، به ایجاد "سپاه واکنش سریع" پرداخته، به مانورهای مشترک در خاک صحرای شرقی، هزاران کارشناس و پرسنل نظامی به کشورهای منطقه خلیج فارس گسیل داشته، با چندین کشور قرارداد همکاری و امتیاز نظامی بسته، نیروهای دریایی خود را در سواحل منطقه متمرکز ساخته و عملیات خود را با بریتانیا و فرانسه هماهنگی بخشیده و در مانورهای مشترک با این دو کشور شرکت جسته است. این اقدامات تجاوزی است به آزادی، استقلال و حاکمیت کشورهای ما، به حق خلق‌های منطقه، مبنی بر بهره برداری آزادانه از منابع و توان خود، اقدامات نامبرده این خلق‌ها را از امکان پیشبرد خواست‌های موقتیک خود، بدون بیم از پیگرد و سرکوب، محروم می‌سازد و کشورهای ما را از پیگیری سیاستی صلح‌جویانه استقلال طلبانه و پاسخگوی نیازهای خلق‌هایمان باز می‌دارد.

امپریالیسم و جلادان آن مشاجرات ارضی و مرزی را میان کشورهای منطقه برافروخته اند، که جنگ میان عراق و ایران نمونه آنست.

این جنگ، که از سوی رژیم عراق و به تشویق و پشتیبانی امپریالیسم و کشورهای مرتجع آفازد، به تشنج‌های منطقه می‌افزاید و بسود نقشه‌های امپریالیسم آمریکا است، که جویای توجیه حضور نظامی خود در منطقه، تضعیف خلق‌های آن و براندازی انقلاب ایران است. بر نیروهای صلح‌جو است، که عملیات نظامی را محکوم سازند و خواهان خاتمه نبرد، خروج نیروهای عراقی از خاک ایران، بازگشت به مرزهای پیش از محاصره و حل اختلافات میان دو کشور از راه‌های مسالمت آمیز بر پایه حسن همسایگی شوند.

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی ایالات متحده آمریکا، بزرگترین دشمن خلق‌های ماست. مقاومت در برابر هرگونه شکل حضور، بویژه حضور نظامی آن، وظیفه بنیادین و اولیه پیکار خلق‌های منطقه است و از نیروهای ملی - شرقی میطلبد که قاطعانه علیه حضور نظامی ایالات متحده به پا خیزند و کارزار مبارزه برای خروج ناوگان ایالات متحده و دیگر نیروهای مسلح آنها شدت بخشند.

عربستان سعودی نقش بس‌خطرناکی را در خلیج فارس و منطقه شبه جزیره عرب بعهده دارد، رژیم این کشور با نیروهای آزادی بخش خاورمیانه و سراسر جهان سرسختانه دارد و در راه ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای، با شرکت و به سرکردگی ایالات متحده آمریکا، گام می‌نهد. امری که امنیت و استقلال کشورهای منطقه را به خطر می‌اندازد و مقابله ای با خواست‌ها و آرزوهای آزادی طلبانه خلق‌های منطقه محسوب می‌گردد.

عربستان سعودی از مذهب بعنوان سرپوشی برای مداخله آشکار در امور داخلی برخی از کشورهای عرب استفاده می‌کند. برای نمونه، می‌توان از پشتیبانی آن از باند‌های "اخوان المسلمین" در سوریه، یمن شمالی و افغانستان نام برد. عربستان سعودی از دشواریهای اقتصادی برخی کشورهای عرب دارای رژیم‌های ملی استفاده کرده است و به تقویت گرایش‌های راستگرایانه در این کشورها دست می‌بازد. رژیم این کشور همواره به کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی دامن زده است. رژیم عراق جنگ با ایران را شروع کرد. این رژیم در "جمهوری عربی یمن" به دخالت می‌پردازد، با "جبهه" موقتیک ملی "به ستیزه دست می‌زند و درباره "کسک" شوروی به انقلاب افغانستان دارای موضع‌گیری منفی است.

و همکار و هم پیمان رژیم‌های عربستان سعودی و اردن است. اقدام عراق علیه رژیم ملی سوریه، مخالفت آن با "جبهه" ملی پایداری و رویارویی، محکوم ساختن محاصره

● انقلاب مردمی ایران و سرنگونی رژیم شاه موجب تغییر تناسب نیروها در منطقه بزیان امپریالیسم شده و به پیکار خلق‌ها توان تازه‌ای بخشیده است.

● پیکار با همه اندیشه‌های تحمیلی امپریالیسم و ارتجاع، اپورتونیسم راست و "چپ"، شوونیسم ملی، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، تروتسکیسم و ماژوتیسم، مهمترین وظایف ملی - موقتیک عمومی نیروهای جنبش آزادی بخش ملی در کشورهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب است.

لفظی "کمپ دیوید" و تعطیل دفاتر برخی از سازمان‌های فلسطینی رانیز باید در این جهت ارزیابی کرد. فزون بر این، باید از رژیم خیانت کار سادات ناپرداز که خود را بعنوان نیروی مدافع منافع امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی خلیج فارس و منطقه شبه جزیره عرب شناسانده است. این واقعیت بویژه در تقویت هم پیمانی آن با ایالات متحده و اسرائیل بازتاب یافت، سرمایه پایگاه عملیات "سپاه واکنش سریع" در خلیج فارس، علیه جنبش‌های آزادی بخش ملی در کشورهای عربی و آفریقائی بدل شده است. تعرض امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ما اشکال گوناگونی دارد. این تعرض با درگیری جنگ عراق - ایران، با پیروزی ریگان کما مید ارتجاع را برای تغییر تناسب نیروها بسوی خود زنده کرده است. با حمله به "جبهه موقتیک ملی" در "جمهوری عربی یمن" و خودداری رژیم حاکم در "صنعا" برای نیل به توافق با آن، با کوشش برای تمویق بازگشت به زندگی پارلمانی در کویت و با پیمان "اضیت جمعی" میان کشورهای منطقه خلیج فارس بسرکردگی عربستان سعودی شکل یافته است. هدف از پیمان نامبرده آنست که هماهنگی بیشتری در زمینه فعالیت سازمان‌های "ضیت" کشورهای خلیج، مبادله اطلاعات و خیانت به میهن دوستان پدید آید.

در گستره اقتصادی، هدف امپریالیسم آنست که نظارت خود را بر مناطقی، که هنوز بر آنها سیادت ندارد و برای نظام سرمایه داری مهم هستند، گسترش دهد. در این مناطق، از آنجا که هرچه بیشتر به جولا نگاه نهاد - های اقتصادی سرمایه داری جهانی، از جمله شرکت‌های چند ملیتی انحصارگر، تبدیل می‌شوند، تحول سرمایه داری ناموزون برقرار می‌گردد.

سرسخت تحریف یافته تحول سرمایه داری راهمچنین در افزایش چشمگیر بانکها و دیگر نهاد های مالی، که در آمد نفتی را بسوی بازارهای سرمایه داری سرازیر می‌سازند، گسترش نفوذ بورژوازی کهرادور انگل و الیکارشی مالی محلی می‌توان دید، که پایه اجتماعی نفوذ وسلطه امپریالیسم را در منطقه ماتشکیل می‌دهند. از این عناصر برای پرکردن بازار محلی از کالا های کشورهای سرمایه داری نگهداشت و پس ماندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و توسعه اقتصادی یکسویه، کشورهای منطقه ایجاد کارتنهاد رگستره خدمات و جلب سرمایه برای انحصارهای سرمایه داری، بصورت پروژه های مشترک استفاده می‌شود.

امپریالیسم ایجاد اقتصاد ملی رشد یافته متعدد و مستقل را سد کرده است، درآمد های نفت را می‌بلعد و از آنها برای تقویت اقتصاد کشورهای امپریالیستی و تخفیف بحران های حادث آن بهره می‌جوید و اجازه نمی‌دهد که کشورهای صادرکننده نفت قیمت های عادلانه خود را تعیین کنند و افزایش قدرت خرید واقعی را که از این راه بدست می‌آید، بسود توسعه اجتماعی - اقتصادی خویش بکار بندند. امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و انحصارهای بین المللی نفت، همراه با رژیم های ارتجاعی منطقه، خواهان آن هستند که نفت مورد نیاز خود را به قیمتی مناسب تضمین کنند، در میان کشورهای عضو "اوپک" تفرقه بیاندازند، نتایج ملی کردن صنعت استخراج نفت را نادیده بگیرند و کشورهای منطقه را از پیشرفت در راه استقلال اقتصادی بازدارند.

علیرغم آنکه در چندین کشور منطقه امتیازات کمپانی - های نفتی خارجی لغو شده و تولید نفت در دست دولت است، در بیشتر آنها انحصارهای سرمایه داری نفتی هنوز کنترل خود را بر ترابری، پالایش و بازارهای

فراورده های نفتی و مدیریت این صنعت حفظ کرد فاند. از سوی دیگر سیاست خرید اسلحه در کشورهای امپریالیستی و انباشتن آنها به بهر در رفتن درآمد های هنگفت نفتی می‌انجامد، که می‌توانست در راه توسعه اقتصادی کشور بکار رود.

هنگام با برتری جوئی فزاینده امپریالیسم ایالات متحده و تمرکز حضور نظامی آن در منطقه خلیج فارس و بیماری رژیم های مرتجع، از دستاویز "خطر کمونیسم" و "تهدید شوروی" برای تعرض علیه نیروهای ملی منطقه و هر گونه تظاهر اندیشه مترقی و موقتیک استفاده می‌شود. فزون بر این باید از تخریب آید تولوزیک و تفرقه اندازی - های مذهبی نام برد. همه دستگاه اطلاعاتی و بسیاری از ارگانهای مطبوعاتی نیز در خدمت این هدفها قرار میگیرند در شرایط دشواری، که ارتجاع بر تروریسم خسوف می‌افزاید و میهن دوستان دستگیر، سرکوب، شکنجه و کشته می‌شوند، جنبش آزادی بخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب به پیکار خود با امپریالیسم و برتری جوئی و غارتگری آن علیه رژیمهای ارتجاعی ادامه می‌دهد. خلق‌های مادر راه دستیابی به استقلال ملی و تحکیم آن، موقتیک و صلح و اتحاد مردم منطقه بر پایه های موقتیک و ضد امپریالیستی می‌زنند.

در منطقه ما رویارویی میان امپریالیسم و ارتجاع محلی از یکسو، و نیروهای جنبش های آزادی بخش ملی خلق‌ها، از سوی دیگر، در رهائی از سیاست غارتگرانه امپریالیسم و سیادت آن بر منابع طبیعی ملی، بویژه نفت، و پیکار علیه هرگونه حضور نظامی تجاوزکارانه بازتاب می‌یابد.

مهمترین وظیفه های که نیروهای جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب، در مرحله تاریخی کنونی، با آنها روبرو هستند، عبارتست از تکمیل روند آزادی ملی و انقلاب ملی - موقتیک در شرایط خاص کشورهای گوناگون.

جنبش آزادی بخش ملی در منطقه ما بیانگر منافع طیف گسترده نیروهای اجتماعی - طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران مترقی و خرده بورژوازی - است، که بطور عینی از سرکوبگری امپریالیسم و ارتجاع تحمیلی رنج می‌برند. در بسیاری از کشورها، این قشرها همچین بورژوازی یا لاقط بخشی از آن را، که یا تولید داخلی در پیوند است در بر می‌گیرند.

واقمیت های زیرین نمایانگر گسترش پیکار جنبش آزادی بخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب است:

- تحکیم رژیم مترقی در یمن، موقتیک، ژرفش در کویت
- های سیاسی و اجتماعی - اقتصادی مترقی و توان یابی نقش راهبر "حزب سوسیالیست یمن" در حکومت و جامعه.
- انقلاب مردمی ایران و سرنگونی رژیم شاه، که به تغییر تناسب نیروها در منطقه، بزیان امپریالیسم انجامیده و پیکار خلق‌ها را توان بخشیده است، از سوی دیگر پیشرفت انقلاب ایران و دفاع از آن ایجاب می‌کند، که برای مردم ایران موقتیک تضمین گردد، و نیروهای ضد امپریالیستی دست اتحاد به یکدیگر دهند، مسئله ملی بر پایه های موقتیک حل شود و دوستی با اتحاد شوروی تحکیم یابد. از این راه می‌توان بر پیامدهای منفی انقلاب و اشتباهات گذشته در ایران فائق آمد و در برابر امپریالیسم پایداری کرد.

- گسترش جنبش و مبارزات خلقی علیه امپریالیسم ایالات متحده و ارتجاع محلی، برای نمونه می‌توان از مبارزات مردمی در عربستان سعودی نام برد، که در مناطق خاوری آن کشور و اشغال مسلحانه مسجد مکه در نوامبر ۱۹۷۹ صورت گرفت. این مبارزات رژیم حاکم سلطنت مطلق را بلرزه در آورد، پایگاه مخالفت تودهای را گسترش داد و مرحله کیفی جدیدی را علیه ارتجاع سعودی آغاز نهاد "حزب کمونیست عربستان سعودی"، هم‌دوش با دیگر نیروهای ملی برای بسیج همه نیروها در راه سرنگونی رژیم خودکامه ای می‌زنند که وابسته به امپریالیسم و انحصارات است. هدف از این نیروها همچین برقراری حکومتی ملی - موقتیک و پاسخگوی منافع اکثریت مردم است.

- پیکار مردم بحرین، به رهبری نیروهای میهن دوست و به پیشاهنگی "جبهه آزادی ملی بحرین"، در راه براندازی پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و استقلال کامل، آفرینش اقتصاد ملی ناوابسته، آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان، آزادی های اجتماعی، استقرار سیستم پارلمانی و تحقق خواسته های حیاتی توده ها.

بقیه در صفحه ۸

# جنبش آزادی بخش

بقیه از صفحه ۶

## وظایف ملی - دمکراتیک عمومی

مهم ترین وظایف ملی - دمکراتیک عمومی نیروهای جنبش آزادی بخش ملی در کشورهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب عبارتست از:

۱- دستیابی به استقلال ملی و تحکیم آن در کشورهای منطقه، پیشرفت آنها در راه رشد مستقل، از طریق براندازی نفوذ امپریالیسم و برجیدن شبکه پایگاه های دریائی - هوائی آن در خاک این کشورها و نزدیک مرزهای آنها، باز پس گرفتن امتیازهای نظامی از امپریالیسم، اخراج سرویس های اطلاعاتی و مشاوران نظامی از منطقه، پایان بخشی به سیاست انباشتن جنگ افزارها، پایداری در برابر نقشه های امپریالیسم و ارتجاع در باره ایجاد بلوک های تجاوز کار، لغو قرارداد ها و پیمانهای با قدرت های امپریالیستی، که استقلال کشورهای ما را محدود می سازد، و تضمین آزادی کشتیرانی بر پایه حقوق بین المللی و مقررات متداول.

۲- آزاد بیهای دمکراتیک برای خلق های منطقه، بویژه آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات، پایه گذاری احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعید شدگان و پایان کارزار پیگیر، دستگیری، تروریسم و کشتار میهن دوستان.

۳- سیاست توسعه اقتصاد ملی، بدون وابستگی آن به بازار جهانی امپریالیسم، احداث صنایع در کشورهای منطقه، رشد همه جانبه اقتصاد آنها، برجیدن بساط انحصارهای امپریالیستی چند ملیتی، بانک ها و شرکت های بیمه، بهره برداری از منابع طبیعی منطقه، از جمله در آمد های نفتی و مالی، بسود مردم، اتخاذ سیاست ملی در زمینه نفت، که پاسخگوی خواست های عمران ملی اقتصادی باشد، اجرای تدابیر اقتصادی قاطع در گستره نفت و وجوه مالی علیه ایالات متحده، دشمن اصلی خلقهای ما.

۴- اتخاذ سیاست خارجی استقلال طلبانه و صلح جویانه از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب، بر پایه تأمین منافع خلق های آنها، عدم شرکت در توطئه ها و بلوک های امپریالیستی، برقراری مناسبات دیپلماتیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و گسترش همکاری با آنها.

۵- زرفش مناسبات با جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای منطقه، هم پیوستگی با نیروهای انقلابی جهان، بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیش آنها، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدین منظور باید:

- به یاری همه جانبه رژیم مرفی یمن دمکراتیک شتافت، از کوشش های آن در راه نزدیکی دو بخش یمن پشتیبانی کرد و به برقراری مناسبات حسن همجواری میان کشورهای منطقه دست یازید.

- همبستگی خود را با نیروهای ملی دمکراتیک عراق بویژه " حزب کمونیست عراق " که قربانی تروریسم و اختناق هستند ابراز داشت،

مبارزه نیروهای ملی - دمکراتیک کویت به پشتیبانی از آزاد بیهای دمکراتیک، در راه لغو قوانینی، که اینگونه آزاد بیها را محدود می سازد، استقرار سیستم پارلمانی بر پایهای دمکراتیک، پیشبرد خواستهای مردم و پیگیری سیاست اقتصاد ملی.

- تشدید مبارزه " جبهه " دمکراتیک ملی جمهوری عربی یمن " برای مقابله بانفوذ عربستان سعودی، احقاق خواست های دمکراتیک توده ها و وحدت دو بخش یمن این جبهه اکنون در معرض حملات دارو دسته " اخوان المسلمین " قرار دارد، که از پشتیبانی عربستان سعودی برخوردار می شوند و مقامات " صنعا " از تشکیل دولت ائتلاف با آن خود داری می ورزند.

- نتایج چشمگیر مبارزه نیروهای دمکراتیک عراق، به رهبری " حزب کمونیست عراق "، این نتایج از تشکیل جبهه ملی دمکراتیک میهنی حاصل شد، که هدف آن استقرار حکومتی ملی و تأمین خود مختاری راستین برای کردستان است.

- ادامه " پیکار مردم عمان، زیر رهبری " جبهه آزادی بخش خلق عمان " برای آزادی، استقلال و برجیده شدن پایگاه های نظامی امپریالیستی.

پیشبرد مبارزه جنبش آزادی بخش ملی در منطقه یاجاب می کند که نیروهای اجتماعی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در راه تأمین وظایف بنیادی ملی - دمکراتیک در یک کشورها متحد شوند و در صفوف احزاب، سازمانها و نیرو های این کشورها در چارچوب ائتلاف ملی، همبستگی پدید آید. شرط پیروزی در این امر آنست که شرکت کنندگان در این ائتلاف، از جهت آرمانی و سازمانی، استقلال خویش را حفظ کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب باید، باتوجه به ویژگی های احزاب مربوطه، در

راه پایه گذاری چنین ائتلافی ملی، مجدانه و پیگیرانه بکوشند.

هماهنگی اقدامات احزاب ما و همچنین نیروها و احزاب ملی منطقه به تشدید پیکار خلقها با امپریالیسم و ارتجاع کمک می رساند.

مبارزه خلق های منطقه ما و نیروهای آزادی بخش آنها

از پشتیبانی و یاری همه جانبه و فزاینده بین المللی، از جمله از سوی کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، نیروهای دمکراتیک و جنبش آزادی بخش ملی جهانی برخوردار می شوند. کنفرانس فوق العاده بین المللی همبستگی با پیکار ضد امپریالیستی خلقهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب، که در اکتبر ۱۹۸۰ در قبرس برگزار گشت، این واقعیت را اثبات می رساند.

- دوش بدوش دیگر نیروهای آزادی بخش ملی کشورهای عرب در پیکار علیه امپریالیسم، اشغالگری صهیونیستی و تسلیم جوشی شرکت جست، در برابر قرار داد های " کمپ دیوید " ایستادگی کرد، به پشتیبانی از " جبهه " ملی پایداری و رویارویی " برخاست و از نفت و توان اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب برای مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم اشغالگر بهره گرفت.

- از پیکار خلق عرب فلسطین، زیر رهبری " سازمان آزادی بخش فلسطین " تنها نماینده قانونی آن و تأمین حقوق ملی این خلق، از جمله حق بازگشت به میهن خود، تعیین سرنوشت خویش و ایجاد کشوری مستقل در خاک وطن پشتیبانی کرد و از مبارزه نیروهای دمکراتیک، از جمله " حزب کمونیست اسرائیل " علیه تجاوزکاری اسرائیل به هواداری پرداخت.

- از رژیم ملی سوریه و مبارزه آن با دسیسه های امپریالیسم و ارتجاع، که می کوشند تا از پایداری آن کشور بکاهد و حمایت کرد،

- پشتیبانی خود را از پیکار نیروهای ملی - میهن دوست لبنان به خاطر استقلال، وحدت و حفظ عربیت کشور، تکامل دمکراتیک آن و علیه اشغال مناطق مرزی لبنان از سوی اسرائیل ابراز داشت،

- همبستگی خود را با پیکار نیروهای میهن دوست و مرفی مصر علیه رژیم تسلیم جوشی و خیانت اعلام کرد،

- دوش بدوش خلق های منطقه اقیانوس هند، برای تبدیل این منطقه به منطقه " امنیت و صلح و بری از پایگاه های نظامی تجاوز، به مبارزه پرداخت،

- به هواداری از پیکار خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین علیه امپریالیسم، واپس ماندگی، تبعیض نژادی و برای آزادی، استقلال و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی شتافت،

- از کوشش برای تحکیم تنش زدائی بین المللی و مبارزه با سابقه تسلیحاتی، نقشه ایالات متحده منبسی بر استقرار موشک های هسته ای میان برد در اروپای باختری، استراتژی جدید جنگ اتمی محدود و در راه خلع سلاح، مقابله با خطر جنگ نابود ساز هسته ای، تقویت صلح جهانی و بازگشت ناپذیری روند تنش زدائی در گستره مناسبات بین المللی پشتیبانی کرد،

- حمایت خود را از هم پیمانی استراتژیک با دوستان راستین خلقهای مبارز با نیروهای صلح و سوسیالیسم، بویژه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ابراز داشت،

۶- پیکار با همه اندیشه های تحمیلی امپریالیسم و ارتجاع، اپورتونیسم راست و " چپ "، شوونیسم ملی، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، تروریسم و ماژوتیسم.

این همه موید وحدت و هم پیوستگی جنبش جهانی سوسیالیستی و کارگری بر پایه " مارکسیسم - لنینیسم " و اصول انترناسیونالیسم پرولتاری و همبستگی بانبروهای عهد " آن "، یعنی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

( پایان )

## سوریه بکمک کشورهای سوسیالیستی باید رشد اقتصادی خود را گسترش دهد

امپریالیستی، به قتل و ترور دست می زنند، آغاز کرده است.

" جمهوری عربی سوریه " در مسئله خاور نزدیک پیگیرانه علیه توطئه " کمپ دیوید " می رزمند و خواستار حل عادلانه آن است. آزادی سرزمین های عرب، که چهارده سال پیش به اشغال اسرائیل درآمده و استقرار حقوق خلق فلسطین در چارچوب کشوری مستقل در سرزمین خود، اصول بنیادی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می دهند. " جمهوری عربی سوریه " در پیکار برای حل مسائل پیشگفته از پشتیبانی دوستان خارجی خود برخوردار می شود. دوستی بی شائبه و موضع گیری های مشترک، سوریه را با کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای ترقی خواه هم پیمان و هم پیوند ساخته است. همکاری فزاینده با کشورهای سوسیالیستی در گستره اقتصادی یکی از پی ستون های اقتصادی است. پیمان دوستی و همکاری، که چند ماه پیش میان سوریه و اتحاد شوروی بسته شد، نمونه بارز این همبستگی است.

توسط آنها تولید می شود. فزون بر این، در برنامه ریزی اقتصاد دولت سوریه بخش های مختلط و خصوصی هرچه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. در تدارکات کثونی برنامه پنج ساله جدید، تقویت بیشتر بخش دولتی و افزایش بارآوری کار از اولویت برخوردار است " حزب بعث سوریه " در " جبهه " ملی مرفی " همکاری می کند. بگفته حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و صدر " حزب بعث سوریه "، که ریاست " جبهه " ملی مرفی " را نیز داراست، هدف مشترک جبهه " نامبرده " را " تضمین حرمت و امنیت اجتماعی شهروندان و گسترش دموکراسی " توصیف نمود.

آخرین اقدامات دولت سوریه را در زمینه تقسیم عادلانه تر درآمد ملی، مبارزه با تورم و بهبود وضع زحمتکشان باید در این چارچوب ارزیابی کرد. از سوی دیگر، " جبهه ملی مرفی " مبارزه بی امانی را علیه شروراندوزی و اختکار محافل بورژوازی و دسیسه های " اخوان المسلمین "، که زیر شعار " اسلام "، ولی با همکاری نزدیک بانبروهای

به توسعه صنعت و کشاورزی کمک فراوان خواهد رساند. بلکه هم اکنون ۱۶۰۰ ده را صاحب برق کرده است. بدین ترتیب، ۸۰٪ روستائیان سوریه از " نعمت " برق برخوردار شده اند. در همین دوران، ۱۷ کارخانه بزرگ پارچه بافی تأسیس یافت، شش کارخانه نساجی دیگر در دست ساختمان هستند. در حالیکه ده سال پیش در حدود یک پنجم محصول پنبه کشور در داخل تبدیل به پارچه می شده، اینک این پیکره به سه چهارم محصول سالانه ۴۰۰ هزارتن رسیده است.

تولید سیمان از ۹۴ هزارتن در سال ۱۳۵۴ به ۳ میلیون تن در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت. در همین سالها، تولید فسفات دو برابر شد. بزودی، روزانه ۲ هزارتن غله در سوریه تبدیل به آرد خواهد گردید. ستون فقرات اقتصاد ملی سوریه بخش دولتی بشمار می رود، که ۷۰٪ ظرفیت تولیدی این کشور را تشکیل می دهد. یک سوم زحمتکشان سوریه در این بخش کار می کنند. ۶۵٪ فرآورده های نایزه اجتماعی

چند هفته پیش، در آستانه سالگرد انقلاب سوریه، اعلام شد که ساختمان ۷۵۸ کیلومتر راه آهن در سوریه به پایان رسیده است. بدین ترتیب طول خطوط راه آهن این کشور از ۱۲۶۲ کیلومتر در سال ۱۳۵۰ به ۲۳۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۶۰ رسید. پروژه " نامبرده " تنها یکی از بسیاری از نقشه های صنعتی و عمرانی مهم بود که به افتخار سالگرد انقلاب، در اختیار مردم سوریه قرار داده شد. کارآمدن " حزب سوسیالیستی عرب بعث " در سوریه در ۱۷ اسفند ۱۳۴۱ (۸ مارس ۱۹۶۳) تاکنون، بویژه از آغاز " جنبش اصلاح "، در گرونی های بنیادی در سراسر سوریه پدید آمده است. در دوران برنامه پنجساله چهارم، که چندی پیش پایان یافت، توان صنعتی سوریه به افزایش چشمگیری نایل شد. برای نمونه، پس از گشایش سد فرات و نیروگاه آن، که بسیاری اتحاد شوروی ساخته شد، تولید انرژی در سوریه دو برابر گردید. این پروژه، نه تنها



# تفسیر وقایع مهم جهان

بقیه از صفحه ۹

## سادات - موجر مصر

همکاری سادات با اسرائیل و آمریکا روز بروز ابعاد گسترده تری می گیرد. لبه تیز این همکاری متوجه جنبش های انقلابی خلق های عرب و آفریقا است. سادات هنگام سفر هنگ به خاورمیانه موافقت کرده که تأسیسات نظامی راس بناس را در اختیار سپاه واکنش سریع آمریکا بگذارد. وی همچنین از آمریکا درخواست کرد که در نیروهای " پاسدار صلح " که پس از عقب نشینی اسرائیل در آوریل سال ۱۹۸۲ از صحرای سینا باید در این منطقه مستقر شوند، شرکت نماید. سپس کمال حسنی، وزیر امور خارجه مصر، توضیح داد که فرماندهی این نیرو - های " پاسدار صلح " با یک مقام غیر نظامی آمریکائی خواهد بود. مایکل استرنر، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، بر این توضیح افزود که نهی از این نیروها از سرسازان آمریکائی تشکیل خواهد شد. و سادات این بیشرمی را داشت که بگوید: " ما تا چند ماه دیگر صحرای سینا را از اسرائیلیها پس می گیریم ( و بدست آمریکا نمی دهیم ) و دیگر بین ما و اسرائیل هیچ مسئله مورد اختلافی وجود نخواهد داشت."

آن چیزی که امپریالیسم آمریکا در دوران جمال عبدالناصر تصور آنرا نمی توانست بکند بدست خیانتکار سادات جامه عمل می پوشد. پایگاه آمریکائی و ارتش آمریکا در خاک مصر! و آیا در برابر چنین خیانتی آن سبیل بنیان کن که یاسر عرفات بدان اشاره می کند، به راه نخواهد افتاد؟

و از همه زشت تر آنکه سادات می خواهد خیانت آشکار خود را به خلق های عرب و انقلاب مصر با حمله به مبارزان و دولت مردان کشورهای عضو جبهه پایداری ببوشاند. سادات، که از آمریکا پول می گیرد، بقا آمریکا پایگاه می دهد، ارتش آمریکا را بخاک مصر دعوت می کند، حافظ اسد را دست نشانده مسکومی نامد، قذافی را به دشمنی با آرمان عربی و یاسر عرفات را به خیانت نسبت به خلق فلسطین متهم می کند.

خیانتکاران واقعی چگونه در همه جا به یکدیگر شباهت دارند، ضیا الحق که خود پاکستان را به تکیه گاه ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا مبدل ساخته است، همین حرف ها را درباره رهبران هند و افغانستان می زند.

## پاکستان کانون تشنج در جنوب آسیا

نزدیکی روز افزون پاکستان به آمریکا و چین و واگذاری اراضی این کشور در اختیار سرویس های جاسوسی و خرابکاری امپریالیستی برای اعمال فشار بر هندوستان و براندازی رژیم افغانستان، پاکستان را به کانون تشنج در جنوب آسیا و خلیج فارس مبدل ساخته است. پاکستان نقطه تلاقی سیاست های ضد انقلابی و جنگ افروزانه چین و آمریکا در این منطقه از جهان است. همکاری بین ماجراجویان چینی و آمریکائی در پاکستان بهم گره می خورد. چین و آمریکا هر دو به یک اندازه از سیاست مستقل هندوستان ناراضی هستند و پاکستان را وزنه ای بسود خودشان در برابر این سیاست می دانند. رژیم ضیا الحق به دلیل سستی بنیان داخلی خود نیازمند به پشتیبانان خارجی است و این پشتیبانی را در سایه حمایت از سیاست های ضد مردمی وضد

# دفاع از صلح و مبارزه بخاطر جلوگیری از جنگ جهانی هسته ای از وظایف مبرم همه خلق های جهان است

راه پیمائی صلح، که به ابتکار شورای جهانی صلح از کپنهاگ آغاز گردید، نمودار تازهای از واکنش فعالانه و نیرومند خلقها در برابر سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا و عامل موثر و مهمی در بیداری و هشیاری همه خلقهای جهان در برابر تلاشهای امپریالیسم جهانی برای تحمیل جنگ جهانی هسته ای به بشریت است.

در اواخر ماه گذشته گروهی از مبارزان راه صلح که هسته اصلی آنانرا زنان نیروزی تشکیل می دادند در کپنهاگ گرد آمدند و راه پیمائی صلح خود را آغاز کردند. این راه پیمائی که زیر شعار " اروپا بی سلاح اتی " انجام می شود، بمدت ۵۰ روز ادامه خواهد داشت و پس از گذشتن از کشورهای آلمان فدرال، هلند و بلژیک، به پاریس خواهد رسید. در ضمن راه گروه های انبوهی از هواداران صلح به راه پیمایان می پیوندند. تاکنون شمار شرکت کنندگان در این راه پیمائی به دهها هزار نفر رسیده است. در سایر کشورهای اروپائی نیز تظاهرات اعتراض آمیز علیه سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا به اشکال گوناگون انجام می گیرد. توده های وسیع مردم اروپا و جهان به اهمیت تبلیغات موزانه امپریالیسم که تلاش دارد تدارکات جنگ هسته ای خود را باخطر تر موهوم شوروی توجیه کند، آگاه می شوند و از سوی دیگر به این واقعیت واقف می شوند که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مهمترین عامل موثر و نیرومند در مبارزه به خاطر حفظ صلح و عقیم گذاردن نقشه های جنگ افروزانه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند.

پیام شورای عالی اتحاد شوروی خطاب به تمام پارلمان ها و خلقهای جهان، که در اجلاس اخیر شورای عالی اتحاد شوروی بتصویب رسید، نمونه ای از کوششهای خستگی ناپذیر و قاطعانه اتحاد شوروی در مبارزه بخاطر حفظ صلح جهانی و رهائی بشریت از خطر یک فاجعه هسته ای فافلگیر است، که محافل امپریالیستی در تدارک انداختن این پیام خطاب به همه پارلمان ها و خلق های کشورهای مختلف جهان گفته می شود:

در این شرایط پاسداری از صلح جهانی، بالاترین وظیفه هر انسان شرافتمندی است. رهبران اتحاد شوروی بارها بر این مطلب تأکید کرده اند که سیاست صلح جوینان اتحاد شوروی ناشی از درک مسئولیت در برابر جامعه بشری است، زیرا جنگ هسته ای می تواند حتی امکان ادامه حیات را در بخش بزرگی از کره زمین از میان بردارد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا رتدارکات جنگی خویش طبع بشریت بیش از همه تلاش دارد به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دست یابد. و از این راه با تهدید اتحاد شوروی به جنگ هسته ای آنرا از حمایت و پشتیبانی از جنبشهای رهائی بخش و انقلابیهای استقلال طلبانه در مناطق مختلف جهان منصرف کند و بدینوسیله راه را

امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در تلاشهای خود برای بازپس گرفتن مواضع نظامی و سیاسی و منافع اقتصادی از دست رفته خویش در مناطق مختلف جهان، بشریت را به ورطه یک فاجعه هسته ای می کشاند. امپریالیسم آمریکا، که در برابر روند پرتوان انقلاب جهانی، که با پیروزی بی دریغی خلقها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی هر روز پرتوان تر می شود، و در برابر تغییر روز افزون تناسب نیروها در عرصه جهانی خود را عاجز و ناتوان می بیند، به جنون هسته ای دچار گشته و می کوشد برای حفظ منافع آژندانه خویش صلح و امنیت همه خلقهای جهان را با جنگ عالم گیر هسته ای تهدید کند.

تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا در مناطق مختلف جهان، ایجاد شبکه وسیع پایگاه های نظامی در خشکی و دریا، تشدید مسابقه تسلیحاتی، استقرار سلاحهای هسته ای و موشکی در کشورهای اروپای غربی عضو پیمان ناتو و تلاشهای پرتب و تاب در ایجاد کانونهای تشنج و درگیریهای مسلحانه در مناطق مختلف جهان، طرحهای توطئه ها و تجاوز نظامی علیه انقلابیهای استقلال طلبانه و جنبشهای رهائی بخش تلاشهای است که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه تحقق برنامه نظامی استراتژیکی جهانی خود انجام می دهد.

به موازات این تلاشها، هر روز از جانب دولت و نظامیان وزارت جنگ آمریکا آئین ها و طرحهای تازه به تازهای از قبیل " حریم منافع آمریکا " در مناطق مختلف جهان " استراتژی جنگ هسته ای محدود " و نظائر آن تدوین می شود، تا بدینوسیله با گمراه ساختن و فریب افکار عمومی، فاجعه جنایت آمیزی را که امپریالیسم علیه بشریت تدارک می بیند، موجه و مجاز و انمود سازد.

بدین ترتیب تدارکات جنگی و تلاش های جنون آمیز امپریالیسم برای ایجاد یک درگیری هسته ای و موشکی بمقیاس جهانی سرنوشت، استقلال و آزادی و حتی موجودیت همه خلقهای جهان را مورد تهدید جدی قرار می دهد. بهمین علت است که هیچ دولت و رژیم سیاسی و اجتماعی و هیچ خلقی نمی تواند و نباید نسبت به این مسئله حیاتی بی تفاوت باشد.

پیروزی خلقها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی، بهره برداری از دستاوردهای انقلابی خلقها و بازسازی زندگی اقتصادی و فرهنگی خلقها مستلزم تأمین صلح و امنیت و جوی طاری از تشنج و تهدید است. پس همه خلقها موظفند که دسیسه ها و توطئه های امپریالیسم را عقیم بگذارند، سابقه تسلیحاتی را مهار کنند، روند تشنج زدائی را به همه مناطق جهانی تعمیم دهند و کانونهای آتش افروزی جنگ را خاموش سازند. سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا هر روز با امواج تازهای از خشم و اعتراض خلقها روبرو می شود. تظاهرات گسترده خلقهای اروپا به نشانه اعتراض علیه استقرار سلاحهای هسته ای در خاک کشورهای اروپای غربی سراسر اروپا را فراگرفته است.

انقلابی آمریکا و چین بدست می آورد. رادیو - ها خبر دادند که پاکستان ارتش خود را در مرز هند متمرکز کرده است و همزمان با آن هفتی را برای مذاکره درباره تحویل سلاحهای آمریکائی به واشنگتن فرستاده است. دولت آمریکا موافقت کرده است که به پاکستان نیز مانند اسرائیل تعدادی هواپیمای اف - ۱۶ بدهد. کمک آمریکا، چین، عربستان سعودی و بازار مشترک اروپا به پاکستان نیز، چه مستقیماً و چه به حساب " مبارزان " افغانی، گسترش میابد جالب توجه است که بنا به اصراف خود ناظران غربی " مبارزان " افغانی دیگرگرایش چندانی به خدمتگزاری نسبت به پرادزندگان این پول هانسان نمی دهند.

## رادیوی بی.بی.سی. دروغهای خود را می لیسد

پس از آن که انقلاب در افغانستان پیرو شد، رادیوی بی.بی.سی. از همان ابتدا یکی از دروغ پردازان اصلی بر ضد رژیم انقلابی این کشور بود. این صدای شوم غارتگران انگلیسی، سخنگوی سلطنت - طلبان، فئودالها و روحانیان مترجع افغانستان شده بود و هر روز خبری درباره پیروزی های " مبارزان " افغانی پخش می کرد گاهی دوسوم خاک افغانستان را زیر نظارت آنان قرار می داد و گاهی یک لشکر روسی را بدست بیست چریک افغانی نابود می کرد. و تمام این دروغها را نیز به مقصد معین برای شنونده ایرانی خود پخش می کرد. ولی اینک که بی برده است دیگر حنای آن در ایران رنگی ندارد و کم کم همه به این دروغها بی عقیده شده اند، دارد زمینه عقب نشینی را فراهم می کند و گفته یک خبرنگار انگلیسی را که بی.بی.سی. صاحب کرده است، چنین نقل می کند:

" قبل از رفتن به افغانستان، در نتیجه خواندن روزنامه های انگلیسی، انتظار داشتم که اوضاع را در کابل تشنج تر از آنچه بعداً دیدیم ببینم. اما چنین وضعی نبود. در کابل هیچ علامتی نیست که نشان دهد سربازان شوروی برای حفظ جان خود نگرانند، هر چند برخی گزارشها درباره حمله به سربازان شوروی به گوش می خورد، اما این وقایع بقدری پراکنده و گداری است، که فرماندهان نظامی شوروی هیچگونه اقدامات احتیاطی برای حفاظت از سربازان خود مقررند داشته اند."

آن وقایع پراکنده و گداری نیز اگر تحریکات " سیا " و خیانت ضیا الحق و همدستی ضد انقلابیون چینی نباشد، هرگز روی نخواهد داد. خلق افغانستان رژیم سلطنتی را واگون نکرده است که باردیگر طوق بندگی فئودالها و اربابان خارجی آنان را بپذیرد. وضع در افغانستان تثبیت می شود و بی.بی.سی. مجبور است آهسته آهسته دکان دروغ پراکنی خود را تخته کند. ولی متأسفانه در همین ما برخی هنوز دکهای ضد افغانی خود را جمع نگردانند و کالا های دست دوم و سوم امپریالیسم خبری را می فروشند. اما خریداران این کالا های بنجل در کشور ما روز بروز کمتر می شوند. تردیدی نیست که همبستگی انقلابی بین خلقهای ایران و افغانستان در آیند های نه چندان دور احیا خواهد شد.

# در جلسات علنی هفته گذشته مجلس شورای اسلامی: نمایندگان خواستار مبارزه قاطع با فئودال ها و سرمایه داران شدند

## حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی برای يك سال ديگر به رياست و حجت الاسلام خوئینی ها بعنوان نایب رئیس اول مجلس انتخاب شدند.

مجلس شورای اسلامی ایران در هفته گذشته پنج جلسه علنی داشت. در این جلسات درباره لایحه بودجه سال ۶۰ بحث و بررسی بعمل آمد و این لایحه با اصلاحات و افزودن چند تبصره به تصویب نهایی رسید. در هفته گذشته همچنین انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی برای سال دوم دوره اول مجلس بعمل آمد و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با ۴۰ رأی یار دیگر به ریاست مجلس انتخاب شد.

در بحث پیرامون بودجه پیشتر سخنرانان بر لزوم افزایش مالیات بر درآمد بخش خصوصی و اتخاذ تصمیمات انقلابی به نفع مستضعفان تأکید داشتند. همچنین چندتن از نمایندگان خواستار ملی کردن هر چه سرمایه تجارت خارجی شدند.

در جلسه علنی روز شنبه ۲۰ تیرماه سال ۶۰ بحث درباره بودجه سال جاری ادامه یافت. در این جلسه نمایندگان در مخالفت و موافقت با این لایحه قانونی سخن گفتند.

فؤاد کریمی نماینده اهواز در مخالفت با لایحه بودجه سخن گفت و از جمله به مسأله تورم و افزایش آن اشاره و خاطر نشان کرد که این لایحه نمی تواند تورم را به نفع مستضعفان مهار کند.

وی آنگاه با اشاره به بودجه وزارت نفت گفت: "وزارت نفت هنوز دست نزنه و اقبال و عناصر آنهاست".

ناطق در ادامه سخنان خود اساسی یکایک افراد وابسته به نزنه و اقبال و همچنین سابقه آنها در دوران طاغوت و شغل فعلی آنها را در وزارت نفت افشا کرد.

### انخذ مالیات از بخش خصوصی

در این جلسه همچنین محمد علی هادی در مورد منابع اعتباری این بودجه یاد آور شد که باید بجای استفاده از درآمد نفت، به سوی اخذ مالیات از بخش خصوصی پیش

بروم.  
در جلسه دیگر علنی مجلس که روز یکشنبه ۲۱ تیرماه تشکیل شد، نمایندگان ضمن بحث درباره لایحه بودجه، خواستار اخذ مالیات، بویژه از بخش خصوصی، بعنوان یکی از ضایع درآمد دولت شدند. همچنین نمایندگان از دولت خواستند که از هم اکنون به فکر تهیه برنامه و بودجه سال ۶۱ باشد. در این جلسه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی، ترور مولوی جلال زاده، یکی از روحانیون اهل تسنن کردستان توسط ضد انقلاب را محکوم کرد.

آنگاه بحث درباره کلیات بودجه ادامه یافت. عبد خدائی، یکی از مخالفین لایحه بودجه، ضمن ایراد تأسیف از اینکه سیستم مالیاتی ماصلاح نشده و برسبک نظام طاغوتی و نظام غربی است، تأکید کرد که سیستم اقتصادی و مالیاتی غربی در خدمت یخماگران و استثمارگران است. وی همچنین گفت:

"برنامه های عمرانی ما باید در راه خدمت به طبقه مستضعف و برای تولید هر چه بیشتر باشد، نه اینکه در راه رفاه مستکبران و مصرف هر چه زیادتر در برنامه های دولت باید تکلیف مالکیت روشن شود"

محمد کاظم موسوی بجنوردی در توجیه مخالفتش با لایحه بودجه گفت: "مخالفت من از این زاویه است که از ابتدای انقلاب تا کنون اقدامی برای تغییر اساسی سیستم بودجه بندی نشده است. وی همچنین بر لزوم برنامه ریزی تولید و پی ریزی صنایع جهت حرکت بسوی استقلال تأکید کرد.

وی همچنین گفت: "لازم است که نظام حاکم اقتصادی را از بن و اساس تغییر دهیم. اگر ما نخواهیم از وابستگی برهیم، باید تکلیف مالکیت را مشخص کنیم."

### تأخیر در ملی کردن تجارت خارجی خلاف شرع و قانون است

حجت الاسلام خلخالی از نمایندگان موافق لایحه بودجه بود. وی در بخشی از سخنانش، ضمن اشاره به اینکه احتکار و گرانی راهمین تجار طاغوتی، که مورد حمایت بنی صدر هم بودند، بر طبقه مستضعف و محروم این جمعیت تحمیل کردند، گفت:

"ما باید دولت را یاری کنیم تا بتواند تجارت خارجی را طبق قانون اساسی ملی کند و دست چپا و لگران را از زیت المال کوتاه کند."

حجت الاسلام خلخالی تأکید کرد: "هر دقیقه تأخیر در این کار رواقع تأخیر در اجرای قانون اساسی و خلاف شرع و قانون است."

وی همچنین لزوم پیشبرد و توسعه کارخانه های تراکتور سازی و ماشین سازی و ایجاد صنایع اسلحه سازی را یاد آور شد.

حجت الاسلام خلخالی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به مسأله حذف ربا گفت: "تادست فئودالها و رباخواران و زمین خواران و محتکران از میان این ملت قطع نشود، نمی شود ربا را از میان برداشت. وی ضمن اشاره به لزوم اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی خواستار قطع دست "سرمایه داران بی ایمان" و محاکمه آنها و نابودی فئودالها و محتکران شد.

حجت الاسلام خلخالی در پایان سخنانش بر لزوم تصویب هر چه سریعتر لوایح انقلابی در مجلس برای کوتاه کردن دست چپا و لگران از زیت المال مردم، تأکید کرد.

پس از سخنان موافقان و مخالفان، مهندس موسی خیر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه توضیحاتی در مورد سخنان ناطقین داد و ابراز امیدواری کرد که دولت بتواند به محض تصویب بودجه ۶۰، سیستم برنامه ریزی برای بودجه ۶۱ را آغاز کند.

در جلسه علنی روز دوشنبه ۲۲ تیرماه، پس از تصویب کلیات لایحه بودجه سال ۶۰، نمایندگان به بحث در مورد جزئیات لایحه پرداختند. ابتدا احمد عطاری سخبر کمیسیون برنامه و بودجه و سپس مهندس موسی خیر، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، درباره سخنان نمایندگان موافق و مخالف توضیح دادند.

آنگاه در مورد کلیات لایحه بودجه رای گیری بعمل آمد و با ۱۳۰ رأی موافق بتصویب رسید. سپس نمایندگان به بحث در مورد جزئیات لایحه پرداختند.

در جلسه علنی روز سه شنبه ۲۳ تیرماه نیز بحث درباره جزئیات این لایحه ادامه یافت.

در جلسه علنی در چهارشنبه ۲۴ تیرماه لایحه بودجه سال ۶۰ بتصویب نهایی رسید. این لایحه، که مشتمل بر يك ماده واحد و ۶۶ تبصره است، با ۲۹ رأی موافق بتصویب رسید.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ابراز امیدواری کرد که بودجه سال آینده کاملتر و "اسلامی" و "انقلابی" و در جهت خود کفائی باشد. در این جلسه همچنین انتخابات هیأت رئیسه مجلس برای سال دوم دوره اول مجلس شورای اسلامی انجام گرفت. بر اساس این انتخابات، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با ۴۰ رأی موافق و ۲۷ رأی معترض و ۱ رأی بیگانه به ریاست مجلس انتخاب شد. همچنین حجت الاسلام موسوی خوئینی ها با ۲۰ رأی بعنوان نایب رئیس اول و عسکراولادی با ۱۰ رأی بعنوان نایب رئیس دوم انتخاب شدند.

همچنین کتیرائی، ولایتی و یارمحمدی بار دیگر برای کارپردازی مجلس انتخاب شدند. حجت الاسلام بیات، الویری، سبحان الملبی، توکلی، مهاجرانی و قاضی نیز به عنوان منشیان مجلس انتخاب شدند.

انتخاب مجد حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را به ریاست مجلس شورای اسلامی صمیمانه تبریک می گوئیم.

## مردم افغانستان مرعوب تروریسم عوامل آمریکا نخواهند شد

رادیو کابل اعلام کرد، که فتی محمد، یکی از اعضای هیئت اجرائی "جبهه ملی-میهنی افغانستان به قتل رسید. این رادیو "سیا" و عوامل صهیونیستی را مسئول قتل این شخصیت سرشناس خوانند و افزود که چنین اقدامات تروریستی مردم افغانستان را مرعوب نخواهد کرد.

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، پیشنهاد اخیر برخی از کشورهای غربی را مبنی بر فراقباندن کنفرانسی بین المللی درباره افغانستان "غیر واقع بینانه و غیر قابل قبول" خواند.

آندره گرومیکو، در ملاقاتی با سفیر افغانستان، در مسکو گفت:

"این پیشنهاد به حل سیاسی مسأله افغانستان کمک نخواهد کرد، زیرا که منظور از آن "حل" مسأله افغانستان بدون دولت افغانستان است. چنین روشی می تواند تشنج را در این منطقه و دیگر نقاط بسی کاهش دهد."

پروا در ۲۳ تیر ۶۰ روز سه شنبه، از غرب بخاطر سیاست آن درباره افغانستان

## احزاب و... بقیه از صفحه ۳

جمهوری و ستواری شدن نامبرده و پیوستن آشکار وی به ضد انقلاب بسیار لازم و ضروری است که در انتخابات مجدد ریاست جمهوری فردی را برگزینیم که انقلاب و کشور را به سوئی نکشاند که رئیس جمهور مخلوع می خواست بکشد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در میان کاندیداهائی که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان قانون اساسی تأیید شده است، به آقای محمد علی رجائی رای می دهد و از عموم مردم زحمتکش و میهن دوست نیز دعوت می نماید که فعالانه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و به آقای محمد علی رجائی رای بدهند.

ساعی در مبارزه بخاطر حفظ صلح و با بر خورداری از پشتیبانی موثر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می توانند سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم بسر بردگی امپریالیسم آمریکا را عقیم گذارند و بشریت را از وقوع جنگ هسته ای عالمگیر رهائی بخشند.

## دفاع از صلح... بقیه از صفحه ۹

برای تحمیل سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی خود بر خلقها هموار سازد. اما این تلاش امپریالیسم، تلاشی است عبث و کوشش های نافرجام دول امپریالیستی در دهه های ۶۰ و ۷۰ گواه این واقعیت است. چنان که امپریالیسم آمریکا و دول امپریالیستی متحد آن نتوانستند در این دو دهه بر اتحاد شوروی به برتری نظامی دست یابند، در دهه ۸۰، که اقتصاد شکوفای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، به کامیابی های تازه ای نائل خواهد آمد و توان اقتصادی و نظامی آنان افزایش خواهد یافت، بطریق اولی نخواهند توانست به این برتری نظامی دست یابند.

بدین ترتیب روند تغییر تناسب نیروهای جهانی در عرصه نظامی نیز همچنان بزبان امپریالیسم و بنفع نیروهای آزاد یخسوا و استقلال طلب و صلح جو بطور بازگشت ناپذیر به پیش می رود.

هوادران صلح، استقلال و آزادی و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی و همه خلقهای جهان با اتحاد و تشریک

### در اتحاد عملی و...

بقیه از صفحه ۱

به نحوی که اکثریت کنونی مجلس تشبیت و تحکیم شود و مرحله تازه گسترش و ژرفایی انقلاب در راستای تأمین استقلال همهجانبه کشور، رعایت علی حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، و پایه ریزی یک نظام اقتصادی مبتنی بر عدل و برابری با قدمهای سنجیده و استوار طی گردد. و این جز با شرکت تودههای میلیونی زحمتکش در انتخابات و رأی مثبت شان به نامزد های انقلابی پیرو خط امام صورت پذیر نیست. و همین است که به رأی گیری دوم مردان احمیتی چنین پر دامنه می بخشد. انبوه مردم زحمتکش کفنهال انقلاب را با خون خود و فرزندان خود آبیاری کرده اند و در لحظات بحرانی چندی که تاکنون بر انقلاب گذشته است همواره با حضور فعال خود گره گشای هر مشکلی بوده اند و هم اکنون نیز در جبهه های جنگ و در پشت جبهه با دشمنان رنگارنگ انقلاب در نبرد نده بار آبی که در صند و قهبا خواهند ریخت، جبهه انقلاب و سرنوشت خود را رقم خواهند زد. پس از دو سال و نیم در دستگاه حکومت برخاسته از انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران قادر خواهد بود که با تکیه بر نیروی عظیم توده ها، در هماهنگی نهاد ها و یگانگسی هدف ها کار کند تا برای نخستین بار در تاریخ ایران، و امی که جامعه ما، هم از لحاظ باز یافت حقوق غصب شده اقتصادی و اجتماعی و هم از بابت سهمی در رهبری کشور به تناسب اهمیت عددی و کار آیی تولیدی و فرهنگی، به توده مستضعف به گردن دارد ادا شود. آنگاه است کمی توان از امکان رهائی مستضعفان از بیداد و ستم استکبار سخن گفت. آنگاه است که وعده قرآنی درباره مستضعفان خواهد توانست به تحقق پیوندد. از این رو، انتخاب رئیس جمهور و انتخابات میان دورهای مجلس را باید در روشنائی این هدف والا و بیگار سختی که در پیرامون آن جریان دارد و همه توطئه های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب نموداری از آن است در نظر گرفت. باز از همین رو توده های زحمتکش و محروم و همه نیروهای راستین انقلابی باید در اتحاد عملی و بیگار جوانانه خود در انتخابات دوم مردان شرکت جویند و به نیت دوام پیروزی انقلاب و استقرار حکومت عدل و برابری و

آزادی در ایرانی مستقل و پیشرفته و نیرومند به آید به ترین، کارآمدترین و درست پیمان ترین نامزد انقلابی رأی بدهند. در حالی که دشمنان انقلاب با انواع و اقسام ترفند ها، دروغ پراکنی ها و حادتها آفرینی - های کوشند تا روحیه های متزلزل را از انقلاب روی گردان کنند، میان نیروهای انقلابی تخم بدگمانی بیفشانند و تاجائی که بتوانند در صف متحد انقلاب زیر پرچم امام بزرگوار خمینی شکاف بیندازند، هرگونه غفلت در بسیج رأی دهندگان و هرگونه تشتت در آرا، تنها به تضعیف موقعیت کل انقلاب خواهد انجامید. بویژه در انتخاب رئیس جمهوری باید بیشترین حجم آرا، پیرامون یک تن - که شایستگی اش از هر حیث مورد تأیید باشد - متمرکز گرد تا افسون یازده میلیون رأی انتخابات گذشته یک بار برای همیشه باطل شود.

البته این بدان معنی نیست که اتحاد نیروهای راستین انقلابی تنها یک ضرورت گذرای انتخاباتی است. برعکس، گسترده و حجم عظیم وظایفی که انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران در پیش دارد چنین اتحادی را تا سالهای دراز ضروری سازد. آن کس که با عنوان ریاست جمهوری تا چند روز دیگر در رأس قوه اجرائیه قرار می گیرد باید این نکته را دریافته باشد و از سر صدق بدان عمل کند تا بتواند گفتار و کردار خود را رشته پیوند نیروهای متحد انقلابی گرداند و همه را در راستای واحدی به سود پیشرفت انقلاب رهائی بخش مستضعفان به حرکت درآورد.

در موقعیت کنونی، با آن که هر چهار نامزد انتخابات ریاست جمهوری از نظر سابقه مبارزه انقلابی و وفاداری به خط ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی امام خمینی از حسن شهرت برخوردارند و مورد تأیید شورای نگهبان می باشند، چون تقریباً همه سازمانها، نهادها و نیروهای پیرو خط امام با شناختی که در این دو سال و نیم انقلاب از عملکرد و منش آقای محمد علی رجائی داشته اند ایشان را برای ریاست جمهوری اسلامی ایران نامزد کرده اند و چنین اجماعی می تواند تضمینی شمرده شود. "اتحاد دموکراتیک مردم ایران" نیز از نامزدی ایشان پشتیبانی می کند و از همه هواداران خود می خواهد که همراه دیگر نیروهای انقلابی طرفدار خط امام به ایشان رأی دهند و از این انتخابات تخته پرشی به سوی پیروزی های آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بسازند.

### حجت الاسلام ری شهری...

بقیه از صفحه ۱

روحانی نمایان هم کمک گرفته است. چنان که حجت الاسلام ری شهری گفته است: "دیگر از سائلی که قبلاً نمی شد طرح بکنیم، در رابطه با یک عده از روحانی نما - هاست، که آن دفعه هم اشاره کردم ولیکن متأسفانه هنوز الان هم نمی توانیم این مساله را مطرح کنیم. پنج نفر از روحانیون بزرگ هستند که در این مورد دست داشتند، که یکی از آنها را می توان اسم برد، همین آقای زنجانی است، که معمولاً به او آیت اله زنجانی می گویند. با جبهه ملی است. چهار نفر دیگر را فعلاً نمی شود گفت. این روحانیون از تهران، از قم و مشهد هستند."

این سخنان حجت الاسلام ری شهری بار دیگر نشان می دهد که مرز دوستان و دشمنان انقلاب از کجای گذرد. این سخن بیانگر این واقعیت است که "اسلام آمریکائی" خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است و اگر در خارج سادات ها، نمیری ها و ضیا الحق ها علیه انقلاب ایران توطئه می کنند، در داخل هم پنج نفر از روحانیون

### ضد انقلاب سازمان...

بقیه در صفحه ۱

تجربه دو سال و نیمه گذشته نشان می - دهد که هرگاه انقلاب، یورش به شناخته - ترین دشمنان مردم ایران: ساواکسی ها، گروهک های آمریکائی، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را آغاز کرده و لانه های توطئه آنها را درهم کوبیده، از شدت توطئه ها کاسته شده و آرامش نسبی برقرار گردیده است. اما هر بار که کار در نیمه راه متوقف مانده و یارها شده است (ساواکی ها - تنها ۱۰۰ نفر در تابستان سال گذشته - آزاد شده اند، برخی کودتاچیان نوزده به کار بازگردانده شده اند، معروف ترین چهره های ضد انقلاب و آشکارترین لیبرالها به حال خود واگذار شده اند و کلان سرمایه - داران و بزرگ مالکان همچنان بنفارت ادامه داده اند) بار دیگر ضد انقلاب فرصت سازمان دهی و تشکل پیدا کرده و سبانه تر از پیش یورش را آغاز کرده است. این وضع به گمان ما ریشه در عدم شناخت واقعی ضد انقلاب دارد. تجربه همه انقلاب های جهان و از جمله تجربه دو سال و نیمه که از انقلاب ایران گذشته، نشان می دهد که "مغز" ضد انقلاب و "موتور" آن را باید در طبقات و اوضاع ضد انقلابی، که از لحاظ سیاسی سرنگون شده، اما از نظر اقتصادی - بعنوان یک طبقه - همچنان استوارند، جست وجو کرد. کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان اقتدار مرفه و کارگزاران رژیم گذشته، اعم از گریخته و مانده، آن زمین اصلی هستند که همه علف هرز ضد انقلاب از خاک آلوده آن می روید. این مرکز اصلی ضد انقلاب داخلی که همیشه از نیروهای چپ نمایاری می گیرد و از دهه ۶۰ به بعد همکاری جدی چون مائوئیست ها یافته، بر حسب ماهیت - رونی خود با مرکز ضد انقلاب جهانی - امپریالیسم آمریکا - در ارتباط مستقیم است. و این دو مرکز سازمانی را ایجاد می کنند که طراحان عملیاتش در "سیا"، "موساد" و "اینلیجنس سرویس" هستند. هزینه عملیات را هم غارتگران ثروت و دست - رنج مردم، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، اعم از فراری یا مانده، می پردازند. این سازمان لعنتی هم بطور

بزرگ در کودتای آمریکائی برای سرنگونی انقلاب دست دارند. انتظار مردم ایران این است مقامات مسئول نام این روحانی نمایان را افشا کنند و اجازه ندهند که آنها، که مسلماً در حال حاضر هم در کار اجرای نقشه های دیگر دشمن هستند - بتوانند زیر نقاب اسلام پنهان شوند.

حجت الاسلام ری شهری در سخنان خود همچنین گفته: "مدارکی در دست هست که یک عده ای از مشاورین و اطرافیان آقای بنی صدر خودشان هم در کودتای اول دست داشتند و هم در جریانات اخیر که اخیراً دستگیر شدند و تحت بازجویی هستند.

ایشان (رکی - از سران کودتا) می - گوید بنا بود که همان نزدیکان آقای بنی صدر در جریان همان کودتای ۸ تیر ۵۹ آقای بنی صدر را بکشند. و بعد سائله کم کم تفسیر کرد تا بجائی رسید که بهترین کار در - های کودتا از آقای بنی صدر حفاظت بکنند، که این خودش یک سائله ای است. این سخنان رئیس دادگاه های انقلاب ارتش نیز بار دیگر تأیید می کند که با عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری چه خطر بزرگی از سر راه انقلاب ایران کنار زده شده است.

مستقیم از نیروهای واقعی خود، یعنی ساواکی ها و عناصر سر سپرده رژیم گذشته و مائوئیست ها و هم بطور غیر مستقیم از جوانان فریب خورده چپ رو سود می برد، تا با اهداف شیطانی خود برسد. در این میان به نقش ضد انقلابی رهبران سازمان هائی مانند مجاهدین خلق، که در پی سودهای خام خود سرانجام با امپریالیسم و ضد انقلاب هم پیمان می شوند، کم بهایا باید داد. ضد انقلاب سازمان یافته - که هسته اصلی آن همان ساواک سازمان یافته به رهبری "سیا" است - با تمام نیرو به فعالیت مشغول است. نیازی به ذکر شیوه این فعالیت ها نیست. در دو سال و نیم گذشته صدها و صدها نمونه از این توطئه های شوم را از سر گذرانده ایم. هنگام ترور شخصیت ها، وقتی بمب ها کار گذاشته می شود، آنگاه که آشوب های خیابانی بر پا می گردد... همیشه و همیشه طراحان اصلی توطئه از نظرها فایند و تنها مجریان نقشه های شیطانی دشمن در انظار ظاهر می شوند. اینجاست که باید هشیار بود و مجریان نقشه های ضد انقلاب را البته باید سرکوب کرد و ولی باید دانست تاریخ ضد انقلاب کده نشود، کار انقلاب به سرانجام نمی رسد.

لذا اکنون وقت آن است که انقلاب از این همه توطئه، جنایت و حادثه شوم پند بگریزد و به نابودی مراکز ضد انقلاب و پایگاه های داخلی آن همت گمارد. برای رسیدن به این هدف از یک سو باید تمام ساواکیهای سرشناس را، که آزاد شده اند، دوباره دستگیر کرد، اساسی تمامی ساواکیها را توسط رسانه های گروهی در اختیار مردم گذاشت، تمام ساواکیها و عناصر مشکوک - مانند رنجبری ها - را، که باقیافه سلمان نعتی در ارگان های دولتی و نهاد های انقلابی نفوذ کرده اند پاکسازی کرد. از سوی دیگر باید اهرم های قدرت اقتصادی و مالی را از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، از جمله با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و صوبه شورای انقلاب درباره اصلاحات ارضی، گرفت. این هر دو کاره که همزمان باید انجام گیرد، امکان خواهد داد که ریشه ضد انقلاب خشک شود.

### کارنامه

### ابوالحسن...

دائمی برنامه ریزی می شد. بی جهت نبود که خسرو قشقائی بدستور بنی صدر آزاد شد (۱۸ خرداد ۵۹ - کیهان). وابستگان رنگارنگ آمریکا و عمال ساواک، از ابوالفضل قاسمی گرفته تا تئین دفتری، بدست او تطهیر شدند. و سپس سال ۳۴ بران بدین ترتیب شکل گرفت. و این برهیچکس پوشیده نبود، بویژه بر آمریکائی ها، که علف های هرز را خوب می شناسند، برای آنها شرایط مساعد بوجود می آوردند، با بنی صدرها از درگتگسو وارد می شوند، با ماهی هزار دلار عملا او را استخدام می کنند و با توجه به اینکه او ... روزنامه اش را به این منظور ایجاد کرده که از آن بعنوان پایگاه قدرتی

دائمی برنامه ریزی می شد. بی جهت نبود جهت مقاصد سیاسی آینده اش استفاده نماید... (سند شماره ۱۱ مربوط به ارتباط بنی صدر با عمال آمریکا) برای روزنامه انقلاب اسلامی، بازار سیاه بوجود می آورد. و سرانجام باید انصاف داد که یکی از پیش بینی های بنی صدر - منتهمی درباره خودش - درست درآمد: "یکی از صفت های ممتاز این جنابان تک روهای آدمی سلك، وسوسه پذیری است. زمینه زبانی دارند که با آن به (ایشان) وسوسه القا کنی و ایشان زود بیزیرند و بگویند صحیح است... تک روهای آدمی سلك اگر دچار شکست شوند، نمی آیند در میان بگذارند، تا احياناً شك شان رفع شود... پس بدانید با اینگونه افراد و گروه های شیطان منش تک رو قاطعیست انقلابی لازم است... (مجله جوانان - ۲۲ تیر ۶۰ - مقاله نفاق در قرآن به قلم بنی صدر)

وقایع مهم جهان در یک هفته

اشغالگران آمریکایی

در صحرای سینا

جایگزین اسرائیلی‌هایی شوند

بگفته وزیر خارجه مصر، ایالات متحده، اسرائیل و مصر درباره همه جوانب تشکیل به اصطلاح "سپاه چند ملیتی در سینا" به توافق رسیدند.

این سپاه، بطور عمده، گردان‌های آمریکایی را در برخواهد گرفت و حضور سربازان دیگر کشورها تنها جنبه نمایی است. ترتیب، اشغالگران اسرائیلی در سینا جای خود را به در سینا جای خود را به آمریکایی‌ها خواهند داد.

ضد انقلابیون "سپا" پیرو شده

قصد ترور کاسترو را داشتند

بگزارش خبرگزاری "پرنسسا لاتینا"، نیروهای امنیتی کوبا پنج تروریست را که روز ۲۴ تیر مخفیانه به خاک این کشور کام نهادند، دستگیر کردند. هدف این تروریست‌ها، که در ایالات متحده آمریکا تعلیم یافته بودند، تخریب اقتصادی و سوء قصد بجان فیدل کاسترو در جشن‌های مرداد این کشور بود. آنها سلاح‌های آمریکایی مواد منفجره و نشریات ضد انقلابی نزد خود داشتند. گفته می‌شود که این پنج تروریست عضو سازمان ضد انقلابی "امگا - ۶۶" هستند، که در آمریکا مستقر است.

همزمان با سفر فرستاده ویژه ریگان به خاور میانه، اسرائیل به تجاوزات گسترده علیه لبنان دست زد

فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان به خاور میانه، "طرح" خود را برای لبنان تقدیم بکین کرد.

بگزارش رسانه‌های گروهی، در این "طرح" بطور عمده فراخواندن موشک‌های زمین به هوای سوریه مطرح می‌شود. یادآور می‌گردد که نیروهای سوریه، به عنوان بخشی از "سپاه پاسدار صلح عرب" در لبنان برای دفاع از خود به این موشک‌ها مجهز شده‌اند. اسرائیل نیز بخاطر ادامه حملات خود به لبنان خواستار بیرون بردن این موشک‌هاست.

همزمان با دیدار فیلیپ حبیب از بکین، هواپیماهای اسرائیلی بار دیگر به جنوب لبنان حمله کردند.

بر اثر بمباران اردگاه‌های فلسطینی از سوی هواپیماهای اسرائیلی در جنوب لبنان در روز ۱۹ تیر، ۳۶ نفر جان خود را از دست دادند و پانزده تن زخمی شدند. این هواپیماها شهرنبطیه و اطراف آن را هدف بمبها و موشک‌های خود قرار دادند. کورت والد هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، "نگرانی" خود را از این بابت ابراز داشت.

سوریه ایالات متحده را مسئول ادامه

حملات هوایی اسرائیل به لبنان خواند. به عقیده این کشور، این عملیات تجاوزکارانه محصول دسیسه‌های مشترک "واشنگتن و تل‌آویو" است. اعلامیه‌های با مضمون بالا روز سه شنبه ۲۳ تیر ماه ۶۰، پس از حملات هوایی گسترده اسرائیل به جنوب لبنان در دمشق انتشار یافت. در نتیجه بمباران هواپیماهای ساخت آمریکا ۱۹ تن کشته و ۲۸ نفر زخمی شدند.

روز جمعه ۲۶ تیر، ۶۰ اسرائیلی به تجاوز گسترده‌ای علیه لبنان دست زد، که در آن هواپیماها، توپخانه و کشتی‌های این کشور شرکت داشتند. اسرائیل با هواپیماهای ساخت آمریکایی خود شش بار بخش باختری بیروت را هدف حملات خود قرار داد. این تهاجم سبب خسارات جانی و مالی فراوان شد. در همین روز جنوب لبنان نیز بار دیگر مورد حمله اسرائیل قرار گرفت.

یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی‌بخش فلسطین"، کشورهای عرب را فراخواند تا به دفع تجاوزات اسرائیل، که به تشویق "واشنگتن" صورت می‌گیرد، بشتابند. دولت لبنان خواستار فراخوانی جلسه ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

دو هزار مبارز ایرلند شمالی در بند اشغالگران "لندن" هستند

نظا هرات مردم این سرزمین را علیه سیاست سرکوبگرانه "لندن" برانگیخت. زندانیان "میز" خواستار پایان تحقیر و توهین مقامات نسبت به خود و کسب موقعیت زندانی سیاسی هستند.

بگفته فرانسیس مک کن، یکی از زندانیان سابق ایرلند شمالی، زندانیان "آلستر" مورد تحقیر و شکنجه قرار می‌گیرند. وی افزود که شرایط این زندانها تحمل ناپذیر است. فرانسیس مک کن اظهار داشت که اکنون دو هزار مبارز ایرلند در زندانهای بریتانیا به سر می‌برند.

در ایرلند شمالی، سربازان بریتانیایی، با گلوله‌های پلاستیکی به سوی سوگواران جومک دانالد شلیک کردند. جودانالد در روز ۱۷ تیر ۶۰ پس از ۶۱ روز اعتصاب غذا در زندان "میز" جان سپرد. وی همچنین مبارز ایرلندی بود، که بعزت خود داری دولت بریتانیا از شناسایی آنها، بعنوان زندانی سیاسی، بر اثر اعتصاب غذا درگذشتند.

روز دوشنبه ۲۲ تیر ماه ۶۰، مارتین هرسون، یکی دیگر از مبارزان ایرلند شمالی پس از ۴۵ روز اعتصاب غذا درگذشت. فوت ششمین مبارز ایرلند شمالی بار دیگر

بزرگاری نهمین کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" در ورشو

سوسیالیسم منحرف کرد.

ویکتور گرشین، رئیس هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سخنرانی خود گفت:

"موضع اتحاد شوروی درباره روند اوضاع بحرانی لهستان در نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در اوایل ژوئن بیان شد. ما پیوسته معتقد بوده و هستیم که رهائی لهستان از این بحران وظیفه کمیونیست‌ها و زحمتکشان لهستان است. در عین حال هنگامیکه مسئله آینده سوسیالیسم در کشورهای برادر مطرح است، حزب کمونیست اتحاد شوروی و مردم شوروی نمی‌توانند بی تفاوت بمانند.

ویکتور گرشین افزود:

"مردم شوروی هیچگاه دوستان و هم پیمانان خود را به هنگام دشواری تنها نگذاشته‌اند. رویدادهای بحرانی لهستان نگذاشته‌اند. رویدادهای بحرانی لهستان بار دیگر ثابت کرد، که هنگامیکه از اصول جهان شعول مارکسیسم - لنینیسم انحراف حاصل شود، نیروهای ستیزه جو فرصت را برای انتقام جویی از دست نخواهند داد و

نگذاشته‌اند. رویدادهای بحرانی لهستان بار دیگر ثابت کرد، که هنگامیکه از اصول جهان شعول مارکسیسم - لنینیسم انحراف حاصل شود، نیروهای ستیزه جو فرصت را برای انتقام جویی از دست نخواهند داد و

روز سه شنبه ۲۴ تیر ماه ۶۰، نهمین کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" در ورشو گشایش یافت.

استانیسلاو کانیا گزارش کمیته مرکزی را به کنگره ارائه داشت. وی گفت که کنگره نامبرده در دورانی پرتلاطم در زندگی لهستان برگزار می‌شود.

کانیا اظهار داشت: "امروزه نباید در این باره توهمی داشت که نبرد طبقاتی حاد در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک بخاطر آینده کشور و مقام و مسیر آن در صحنه بین‌المللی در جریان است."

استانیسلاو کانیا افزود:

لا زمت خطری را، که سوسیالیسم را در کشور تهدید می‌کند، از میان برداشته، اوضاع اقتصادی را ثابت بخشید و نقش رهبری حزب را تقویت نمود. کنگره باید به همه هواداران سوسیالیسم و دلسوزان آینده لهستان چشم اندازی روشن نشان دهد. کنگره باید حزب را برای مبارزه فعال علیه ضد انقلاب بسیج کند.

سخنران یادآور شد که نقشه‌های عناصر ضد انقلاب در لهستان به کامیابی نخواهد انجامید. حزب و عناصر خردمند کشور نخواهند گذاشت که (لهستان) از راه

سقوط

خلق

در جوش و تاب خشم برآمد

و آن دن کیشوت به زیر درآمد

از اسب پیر خویش

و بیگهان پرید

از خواب چین و ماچین

وز شوکت و شکوه سلاطین

آقای دن کیشوت

باهیبت پلنگ به تصویر

زین سان چه می‌روید

پی کرده‌اند اسب شمارا

و این ابرگرد و خاک

خلق است کینه جوی روان در پی شما

شبه گونه رو به دره خاموش رهسپار

در قعر دره آب و در آب اخگر شفق

آنجا برو

آنجا که هست غاری و یاری نیست

آنجا که می‌روند و فراموش می‌روند

و خلق می‌رود به ره خویش چون ارس...

جلال سرفراز

۲۷ خرداد ۶۰

مخالفت با خودکامگی و نظامیگری

رژیم ضیاء الحق بالامی گیرد

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، نگرانی عمیق خود را از واگذاری جنگنده‌های اف ۱۶ - از سوی ایالات متحده به پاکستان ابراز داشت.

وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی، در دلهی گفت که این امر سبب آغاز دوری جدید از سابقه تسلیحاتی در قاره آسیا خواهد شد. از سوی دیگر، پلیس پاکستان در مخالفت

دیگر رژیم نظامی این کشور را دستگیر کرد. به گزارش آسوشیيتد پرس، این ده نفر اعضای "جنبش در راه استقرار موکراسی هستند. پلیس به یک جلسه سری "جنبش، که در آن درباره زندانیان سیاسی و بویژه شکنجه آنان بحث می‌شد، حمله برد. بگفته "حزب خلق پاکستان"، اکنون بیش از سه هزار مینه دست این کشور در زندان بسر می‌برند.

در راه استقرار نظام کهن خواهند کوشید.

نهمین کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" به بررسی راه‌های رهائی لهستان از بحران کنونی پرداخت.

نمایندگان کنگره، فزون بر کاوش ریشه‌های بحران، پیشنهاد‌های مشخصی برای تقویت نظام سوسیالیسم، گسترش موکراسی و تضمین نقش رهبری حزب ارائه داشتند.

کوبیایکی، کارگر یک کارخانه نساجی، بر ضرورت تقویت سوسیالیسم تأکید کرد، که بگفته او، "به کارگر لهستانی زندگی شرافتمندانه و کامل را آموخته است."

لانسکی، دبیر اول سازمان حزبی در اسکله کدانسک، گفت:

"ما می‌دانیم که تنها کارگران شرافتمند و متشکل به ما کمک خواهند کرد تا از بحران کنونی رهائی یابیم."

بانایلا، معاون وزارت دفاع و رئیس بخش سیاسی ارتش لهستان، گفت:

"کمونیست‌های ارتش از پیشنهاد هائی، که در گزارش حزب درباره رهائی از بحران شده است، پشتیبانی می‌کنند. وی به تهدید مستقیم عناصر ضد سوسیالیستی، که از پشتیبانی مراکز خارجی تحریب سیاسی بهره مندی می‌شوند، اشاره نمود.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد مکرانیک مردم ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. ۱۰۲۴۷)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی - صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷